



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کتب فوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهیهای رسمی و قانونی

شماره ۲۴۱۳

شنبه ۷ خرداد ماه ۱۳۳۲

سال نهم

شماره مسلسل ۷۸

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۷۸

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه بیست

ونهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۲

فهرست مطالب

- ۱- طرح صورت مجلس جلسات ۱۹ اسفند ۳۱ و ۲۰ اردیبهشت ۱۳۳۲
- ۲- بیانات قبل از دستور آقایان: قنات آبادی - حائریزاده - دکتر بقائی
- ۳- فرائد استعفانامه آقای دکتر بقائی از نمایندگی تهران
- ۴- تقدیم ۲۸ فقره لایحه قانونی بوسیله آقای معاون نخست وزیر و چهار فقره لایحه از طرف وزارت دارائی بوسیله ایشان
- ۵- تقدیم گزارش وزارت دادگستری دائر بتقاضای سلب مصونیت از آقای دکتر بقائی بوسیله آقای معاون نخست وزیر
- ۶- تقدیم دو فقره لایحه بوسیله آقای معاون وزارت دادگستری
- ۷- تقدیم هفت فقره لایحه بر قراری و تمدید فرمانداری نظامی در نقاط مختلف کشور

۸- فرائد گزارش شعبه پنجم راجع باقای علی روحی

۹- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت ۹ و چهل و پنج دقیقه صبح بریاست آقای محمد ذوالفقاری

(نایب رئیس) تشکیل گردید

(۱) طرح صورت مجلس جلسات

۱۹ اسفند ۳۱ و ۲۰ اردیبهشت ۱۳۳۲

نایب رئیس - جلسه رسمی است

صورت غائبین جلسه گذشته فرائد میشود

(شرح زیر بوسیله آقای ناظر

زاده خوانده شد)

غائبین با اجازه - آقایان: اورنگ

کریمی - عبدالرحمن مغویی - حامری

غائبین بی اجازه - آقایان: فشار - دکتر

شایگان - صرافزاده - دکتر امامی - راشد

دکتر مصباح زاده - امیرافشار

نایب رئیس - نسبت بصورت جلسه

اعتراضی نیست؟ آقای مکی

مکی - میخواستم عرض کنم که آقای

مشاور آقای دکتر شایگان هر دو مرتبه

آنهارا غائب بدون اجازه نوشته اند

نایب رئیس - کمیسیون محاسبات

رسیدگی خواهد کرد و اصلاح خواهد شد

نسبت بصورت جلسه اعتراض دیگری نیست؟

آقای حبیبی

حبیبی - آقای دکتر شایگان بتقاضای

مرخصی گرفته اند در کمیسیون محاسبات هم

تصویب شده است استدعا میکنم دستور بفرمائید

اصلاح بشود

نایب رئیس - اصلاح میشود نسبت

به صورت جلسه اعتراضی نیست؟

(اظهاری نشد)

چون اکثریت برای رأی نیست اعلام

تصویب آن را موکول میکنیم بعد

(۳) بیانات قبل از دستور

آقایان: قنات آبادی -

حائری زاده - دکتر بقائی

نایب رئیس - عده ای از آقایان

اجازه نطق قبل از دستور خواسته اند آقای

میراشرفی

میراشرفی - آقای قنات آبادی

صحبت میفرمائید

نایب رئیس - آقای قنات آبادی

اجازه میفرمائید قبل از اینکه سر کار شروع

بفرمائید بیاناتتان دوماده از آئیننامه فرائد

بشود

(مواد ۲۰۴ و ۲۰۶ آئیننامه

بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۲۰۴ - مخبرین جرایم و تماشاچیان

بداشتن بلیط مخصوص همان جلسه که بامهر

اداره کارپردازی و امضای یکی از کارپردازان

صادر شده باشد و نیز مأمورین انتظامی به

دستور رئیس مجلس در محلهای مخصوص

حق حضور خواهند داشت و باید در تمام

مدت جلسه ساکت باشند و از هر گونه تظاهر

خودداری کنند و گرنه بامر رئیس از مجلس

اخراج میشوند

ماده ۲۰۶ - هر یک از تماشاچیان و

نمایندگان جرایم که باعث اغتشاش یا اختلال

نظم مجلس شود و یا نسبت بر رئیس یا نمایندگان

مجلس و یا وزراء و معاونین و یا سایر افراد

توهین و یا تهدید نمایند بامر رئیس مجلس از

تالار جلسه اخراج و توقیف میشوند و در صورتی

که عمل او مستوجب تعقیبات کیفری باشد در

طرف ۲۴ ساعت بمراجعه صالحه تسلیم

خواهد شد

نایب رئیس - آقای قنات آبادی

بفرمائید

قنات آبادی - ما از همانجائی شروع

میکنیم که همیشه دولت شروع میکنند و همان
مطلبی را اینجانبان کو میبیمیم که یکمده ای
البته در این روزها اینکه نان و آب دارد
تذکر میدهند و آن این است که اگر دولت
واقعا همانطوریکه ادعا میکرد متکی بانفکار
عمومی بود هیچ مانعی و رادعی برای او نداشت
که مثل دوره شانزدهم اجازه دهد جریان
مذاکرات مجلس بوسیله رادیو در سراسر
کشور پخش شود بدیهی است هیچ جای دنیا
این عمل را اسمش را عدالت نمی گذارند
که يك دسته ای که آن

دسته اسمش دولت هم باشد اس قوه و قدرت
قرار گرفته باشد از تش و شهر بانی و ژاندارمری
و تمام وسایل قدرت و پول در اختیارش باشد
زندانهادر اختیارش باشد رادیو در اختیارش
باشد آنوقت هر چه می خواهد بگوید و بهر
شخص و مقامی بهر شکل و رنگی که میخواهد
حمله کند تهمت بز ندر شناسم بگوید فحش بدهد
اصلا اجازه ندهد آنکسانیکه مورد این همه
حملات قرار گرفته اند در مقابل این همه تهمت
واقترها از خود دفاع کنند و حقایق را بان
ملتی که آن ملت قاضی هستند و آنها باید
قضاوت بکنند بر ساند البته بنده لازم نبودم
از جریانات اخیر راجع بتقاضای فراکسیون
آزادی و فراکسیون نجات نهضت بوسیله مقام

معظم ریاست مجلس از رئیس محترم دولت
برای پخش مذاکرات مجلس از رادیو
تذکری بدهم آقایان می دانند جوابش را هم
شنیده اند ولی نمیدانم که چه جور بی درباره
این مطلب قضاوت کرده اند هیچ اشکالی
نداشت همانطوریکه الان برنامه رادیو اغلب
اوقاتش وقف کارهای بیوده يك کارهای
بیمصرف بدون فایده می شود اجازه میدادند
مذاکرات مجلسهم بوسیله رادیو منتشر
میشد اسم این عمل را عدالت نمی گذارند
اسم این عمل را واقعا نگاه بانفکار عمومی

مجلس مذاکرات مشروح هفتاد و هشتمین جلسه از دوره هفدهم قانونگذاری

اداره نشر و ترویج و ترمیم صورت مجلس

نیگبارند این را بهش میگویند زور و یک طرفه عمل کردن و لاف به همه آقایان بالغضوض ملت ایران اینمطلب را خوب میداند که قریب هوشش سال است در کشور مایک نهضت مقدس ضد استعماری بوجود آمده و البته این مطلب را هم آقایان محترم تصدیق دارند که روزهای اول این نهضت یعنی آنروزهاییکه مبارزه علیه هر گونه استعمار و مبارزه با شرکت سابق نفط و مبارزه با استعمار سیاه انگلستان در ایران در این کشور در بدی و حس کتک خوردن بیچارگی و از هستی ساقط شدن لازم داشت آنروز مدعیان نهضت و مدعیان مبارزه علیه استعمار خارجی و بالغضوض استعمار انگلستان خیلی کم بودند غالباً در اعتراضات نگاه تشریف داشتند غالباً از سبب راه می رفتند غالباً مبارزات را تعطیل میکردند و اگر خیلی شجاعت بخرج میدادند خیلی میخواستند رشادتی بخرج بدهند از یک گوشه ای یک مقاله ای بعنوان مبارزه و تحت مطالب کلی منتشر میفرمودند اما این مبارزه آهسته آهسته وسعت پیدا کرد جنبش ملت زیادتر شد جنبش ملت در اعتراضات آن عهد معدودی که حاضر شدند بهر ذرات و بدبختی بهر در بدری و مصائبی تن بدهند و در مقابل انگلستان تسلیم نشوند سبب یک گرمی و یک غلبانی در افکار عمومی مردم ایران شد در طهران و شهرستانها مردم آهسته آهسته به هبجان آمدند البته در خلال همه این مبارزات یک دسته ای کار شکنی خود را از دست نداده بود یک دسته ای صف شکنی خود را از دست نداده بودند آن دسته همان کسانی هستند که امروز بسیار بسیار از بانای نهضت ملی ایران بیشتر سنک نهضت را بسینه میزنند اگر میخواهند آن دسته را من بعضاً ارائه کنم خواهش میکنم پروگرامهای بلشویکی امروز که صبح و عصر منتشر میشود مراجعه فرمائید و در ایران نهضت یعنی آنروزهاییکه بنا برود در این کشور مهره های سبب استعماری مردم آزاده را در هر جا و صاهها گوییده بشود و پایه های اولی ملی شدن مملکت لفظ در هر جا که گفتم گداوه هر روز آنروز هم پروگرامها را در روزهای این آقایان هر چه بفرمائید آنروز خواهد دید که این آقایان آنروز کارهای گنجهایی می کردند چه بوده است و امروز خود را وارث نهضت مقدس ملی میدانند (میراشاره می بروی هبنای زمان پیشه وری هم مراجعه بکنید)

(زنک رئیس)

نایب رئیس - بین الانین صحبت بکنید
قنات آبادی - من نمیتوانم بکنم از آقایان که اجازه بفرمایند آن مقداری که قدرت دارم عرض کنم از هر شکلی که از این دسته که گفته شد و شبه خان کرملین بوده آنروزهاییکه سیاست استعماری سابق یعنی

استعمار سرخ از منافط میخواست و میگفت باید منابع نفتی شمال را بیا بدهید آنها در همین خیابانهای طهران بنده نیگباریم در خیابان های زنگبار نیگباریم خیابانهای حبشه در همین خیابانهای طهران این آقایان جو کت کردند و گفتند که باید نفط شمال را بروس هاداد و باید شمال را حریم امنیت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی قرارداد و با کمال وقاحت و بیشرمی سر بازهای ارتش بیگانه در همین پایتخت طهران از آنها حمایت کردند اینها یکدسته بودند یکدسته هم آنکسانی بودند که خودشان هم چیزشان درست در اختیار سیاست انگلستان بود و اینها از شاگردان بسیار بسیار خوب و تربیت شده مکتب استعماری انگلستان بودند و اینها خود و افکارشان همه آقایان محترم و ملت ایران معروف و مشهور است اینها هم در مبارزات مقدس ملی ما در نهضت پرافتخار ما حداکثر کار شکنی و اختلال وصف شکنی را کردند اما چون اگر یکملمتی از روی تفکر و تعمق اراده بکنند اگر یکملمتی یک مطلبی را در کتک خوردن خودشان بکنند که خدا از آن ملت حمایت میکند ملت ایران هم چون درک کرده بود که یگانگانه نجات و یار و یار کردن زنجیرهای استعمار ملی کردن صنایع نفط است قیام کرد خدایم ملت را تأیید کرد و این مطلب در مملکت ماعلمی شد و به صورت ظاهر اعمال سیاستهای بیگانه در شمال و در جنوب شکست خوردند آنهایی که میگفتند قرارداد ۱۹۳۳ را باید باطل کنیم یعنی میخواستند کار شکنی بکنند و آن کسانی که اصلاً عقیده داشتند مکر می شود با انگلستان چنگ کرد هر دوی این دسته ها شکست خوردند و در نتیجه ملت پیروز شد بعد از این پیروزی قطعی بعد از این موفقیت در محافل من میفرماید اینها به ملت ایران صریحاً عرض کنم که این دو دسته رویه خود را در مبارزه با اینان گذارند نهضت عوض کرده یعنی همانطوریکه در قیام مشروطیت و در مبارزه برای بدست آوردن آزادی و عزت خود در مشروطیت تربیت شدگان مکتب غین الدوله از آزادیخواهان شکست خوردند و بعد بمقتضای روز ماسک را عوض کردند رنگ خودشان را عوض کردند و آمدند خودشان را بین آزادیخواهان و مردان حق و مبارزان و قهرمان مشروطیت جا زدند و با نزدیک کردن خود بمنابع قدرت آزادی خواهان و قهرمانان ایران را طرد کردند این دو دسته هم بعد از نهضت مقدس ملی ایران همین عمل را انجام دادند آمدند خودشان قاطی نهضت شدند تا مدتی خودشان را داخل در صف این جهاد ابر کردند آمدند خودشان را در مساز با مبارزین بنیان گذار این نهضت کردند

خوب چون اینها اشخاص عاریه ای بودند چون اینها میخواستند خودشان را جا کنند و چون اینها میخواستند بیایند و مقاماتی را فصب کنند هیچ برای آنها مانع و رادعی نداشت که برویه دیرین خودشان برویه همیشه خودشان یعنی بجایلوسی و عبودیت و بندگی متوسل بشوند اینها بتمام این فنون متوسل شدند و اینک آهسته آهسته دور آقای دکتر محمد مصدق السلطنه را محاصره کردند و یک دسته مردم سراز خواب بلند کردند دیدند مطلب خیلی صحیح و سالم و قشنگ از آب در آمده آنهاستیکه در راه نهضت ملی و پایه گذاری این جهاد بزرگ ضد استعماری حبس رفتند تبعید شدند در بدر شدند خون بدل شدند خود و عائله شان چهار سال در این مملکت در بدر بودند اینها انگلیسی شدند اینها ضد ملی شدند اینها دشمن ملت شدند و یک عده ای از مارک دارها و یک عده ای از سرسیرده های اجانب و یک عده از کسانی که در توی این خیابانها طهران پرچم بدوش گرفتند و گفتند شمال و جنوب مال جنوبی ها باشد اینها ملی از آب در آمده اند دکتر مظفر بقائی آیت الله کاشانی آنکسی که بمقدار تاریخ مشروطیت ایران علیه استعمار انگلستان جنگیده است آن کسی که ممالک اسلامی فخر بوجودش میکنند آن کسی که تفنگ بدوش گرفته و در سنگر های مجاهدین عراق دوش بدوش رخ برخ با انگلستان جنگیده است آنکسی که انگلستان شب روز از وجودش خواب راحتی ندارد آنکسی که نوکران سر سپرده انگلستان نیمه شب بخانه اش میریزید و او را بچاک و خون می کشند و از کشورش دور میکنند آنکسی که بایکتا قبا از تاریخ مشروطیت ایران با استعمار جنگیده است این جاسوس انگلستان شد این خارجی شد

نایب رئیس - آقای قنات آبادی وقت جناب عالی تمام شد

قنات آبادی - بنده وقت میفرماید صحبت کنم

نایب رئیس - بنده بطور مجلس است

قنات آبادی - يك ساعت وقت می خواهم

نایب رئیس - اگر وقت نیست برای رأی

دکتر بقائی - کسی هم مخالف نیست

نایب رئیس - باید رأی گرفته شود

دکتر معظمی - آئین نامه باید اجرا بشود

سخنرانی - آئین نامه را اجرا بفرمائید

میراشاره - انوقت هم که مایش از ۵ دقیقه اینجا نشستیم آئین نامه اجرا نشد

دکتر معظمی - آقای قنات آبادی نفر دوم وقتش را شما بدهد صحبت کنید

بعد که عده کافی شد برای بگیری (با ورود چند نفر عده برای رأی کافی شد)

نایب رئیس - چه قدر وقت میخواهد

قنات آبادی - یک ساعت

امامی اهری - بانیم ساعت مواز بفرمائید فعلاً

نایب رئیس - آقایانیکه موافقت ساعت آقای قنات آبادی صحبتشان ادامه بدهند قیام بفرمائید (عده ای برخاستند ناظر زاده و معتمد دماوندی (منشی) است است یک نفر کم است) با رأی خود بنده نفر میشود تصویب شد

قنات آبادی - بنده خیلی خوش و مشهورم که آقایان اعضاء فراکسیون نهضت ملی به بنده رأی برای صحبت کردند (حائری زاده در اقلیت بودند بله آقایان محترم ملت ایران باید بروی مطلب توجه کنند که يك عنصری که بنده سال به استعمار ضربت زده و ضربت خود این عنصر را يك روزنامه ای که منتشر شخص رئیس دولت است مینویسد که جاسوس است من مخصوصاً این مطلب پشت این تریبون تکرار می کنم تا ایران آن نقشه هائیکه انگلستان در مشروطیت برای بیرون کردن مجاهد حقیقی از صف ملت عمل کرده بود در به عینه به بینند دو مرتبه درک بکنند وارد عمل میکنند به بینند کار مملکت رسیده آقای رئیس دولت مرفوم فرمودند بدستگاه انتظامی مملکت یادداشت داد گستری که اگر روزنامه ای بشود من بدگفت با او کاری نداشته باشید اما به کسی دیگر و برخلاف قانون مطبوعات عمل کرد قانون را در باره اش اجرا من خواهش میکنم از آقایان نمایندگان محترم و مخصوصاً خواهش میکنم از آنهایی که طرفدار دولت هستند بروند درز و به بینند این روزنامه نگارانی را که توقیف کرده است فقط کسانی که از دولت و دکتر مصدق گرفته اند فقط چون از اهل و رفتار انتقاد کرده اند آنها را گرفته اند به داخله اند بدون محاکمه و اما آن نامه هائی که بفرماید و به بنده شخصیت های مملکت را کتک ترین را می دهند که تریبون مجلس شورای را من نمی خواهم باین حرفهائی که آنها را آورده کنم آنها کاملاً آزادند می دانند آنها چه جور روزنامه ها بنده بفروش می رسانند اگر بر نخوردند انداخته میکنم روز شنبه تشریف ببرید تو بخانه يك مجسمه روزنامه فروش بده تا از این روزنامه ها يك مأمور شهری يك مأمور حکومت نظامی و چند کارا گامی ایستادند این چه روزنامه روزنامه ها بدستش است توی میدان

عوامل و مأمورین دولتی هم اورا حمایت کنند و اوداد می زند و فریاد میزند کاشانی موس بقانی قائل مکی فلان حائری زاده من هینطور میگوید و اگر کسی هم برود بی بجه زور نامه فروش سخنی بگوید بوزیرین شهر بانی متعرض او میشوند یک بابی است یک مطلبی است که آقای دکتر بقی السلطنه حسابش را فرمودند و آن است که خیال میکنند که همه افراد و نفاس روی حساب سیاسی و روی حساب می و روی حساب منفعتی مبارزه میکنند مطلبی را ایشان درک نکرده اند و آن است که در تاریخ بشریت بودند اشخاصی که فقط برای حق و حقیقت جنگ کردند ای نجات فضیلت و نجات انسانیت مبارزه کرده اند و اینها ولو اینکه قبل هم بودند و اینها که معدود هم بودند غلبه و فتح با یافته بودند یک قضیه تاریخی من میخواهم برای آقایان محترم نقل کنم الحمد لله همه آقایان بدان و پیرو آئین مقدس اسلام هستید و اطلاع از تاریخ احکام و آیات کلام دارید و این قضیه را هم میدانید من می خواهم بمناسبت تطبیقش باوضع روزند که هم و آن این است که تبلیغات موسی بن عمران بیغیر وقتی وسعت پیدا کرد وقتی درها و غارتگر های اجتماع دیدند کار می دارد نضج میگردد وقتی فاروق ملک های آن زمان دیدند که این رویه ای موسی اتخاذ کرده است منتهی به روزی است گفتند ما تصمیم میگیریم و موسی بن عمران بیغیر را لعن مال می کنیم بن بود که قانون رفت و یک زن هر جانی را با کرد و باو گفت تو میروی موقمی که موسی خطابه میکند اورا متهم میکنی بزنا ضد قانون این بود که موسی را در معرض تکار عمومی لعن مال بکنند آن زن هم آمد موسی داشت وعظ میکرد و خطابه تبلیغ میکرد گفت ای موسی این حرفهایی که تو میزنی صحیح است؟ گفت بله گفت پس چرا خودت مرتکب عمل زشت شدی؟ گفت با کی؟ گفت با من معنای تکرار تاریخ همین است قانون های زمان ما هم رجائی هارا اجیر میکنند بهر جائیها ماهی هزار تومان پول می دهند تا بهر گزیدگان جنای دشتام بدهند فحش بدهند تهمت با موسی و افتراء بزنند از روز اول تا حالا بن رویه بوده صف طرفداران فضیلت و حقیقت رویه خاصی داشتند و دشمنان انسانیت و فضیلت در هر لباسی که بودند رویه خاصی داشتند آنروز قانون بیان زن هر جانی پول میداد و امروز قانونهای زمان بهر جائیهای دیگری پول میدهند که بهر جانشان فحش بدهند و اما از اجماع به قضیه افشارطوس اولاً بنده عقیده ام را به عرض مجلس و ملت ایران رسانم که بنده شخصاً با این نوع کشتار و تاراج مخالفم و برخلاف دین میدانم (صحیح)

است) دین من مذهب من اجازه این نوع اعمال را نمی دهد و هر کس این عمل از سر بزند و سبب این کار باشد ولو اینکه نزدیکترین کسان من باشد من با او مبارزه میکنم (پور سرتیپ - احسن) من اولاً با آقایان عرض کنم که اگر روزی ثابت شد که بوسیله بوق و کرنا و رادیو بلکه حقیقه ثابت شد که دکتر بقانی در این عمل دخالت داشته من با او می جنگم اما امروز که من خودم می بینم دولت و تمام عوامل و امانده استعمار انگلستان از تمام قدرت هائیکه در دست دارند استفاده کرده و همه بر علیه این مردی که در تاریخ نهضت ملی ایران سهم بسیار بسیار زیادی دارد قیام کرده اند و میخواهند نابودش کنند با تکیای خدای بزرگ دنبال او و از او حمایت کرده و مبارزه میکنم مگر اینکه بمن ثابت بشود که من اشتباه کرده ام آنوقت این حرف را من پس میگیرم این بوق و کرنا بیکه دولت راه انداخته اولاً راجع به موضوع شکنجه بنده یک مطلبی عرض کنم روزی که این آقایان را گرفتند جناب آقای دکتر بقانی به من تلفن کرد که من شنیده ام خطیبی (که من هم نمی شناسم) اورا در زندان شکنجه کرده اند بیاید با هم برویم داد گستری و از قانون و از نماینده قانون بخواهیم که باینکار رسیدگی بکنند بنده عرض کردم چشم رفتم در خدمتشان در داد گستری جناب آقای دکتر معظمی توجه بفرمائید ایشان اعلام جرم کردند که چون یک همچو خبری بهار جبهه ما خواهم میکنیم مراجع قانونی بوظیفه قانونیشان عمل کنند جناب عالی بهتر از بنده می دانید استادیب دانشمندید میدانید که باز پرس و نماینده داد سرا می رود این زندانیان را ببیند اگر شکنجه شده صورت مجلس کند که شکنجه شده و اگر نشده بنویسد شکنجه نشده و آقای دکتر بقانی دروغ گفته است غیر از این است؟ ما رفتیم تمام مراحل طی شد باز پرس و نماینده دادستان حرکت کرد وقتی رئیس شهر بانی با نماینده قانون مراجعه شد اینکه میگوید میخواسته ملاقات کند ملاقات ممنوع است این خنده است این دروغ است مثل همه دروغهای دیگر نه آقای دکتر بقانی نه بنده هیچکدام نمی خواستیم کسی را ملاقات کنیم نماینده قانون بوده که برای اجرای یک دستور یک عمل قانونی حرکت کرده بود برود به بند و صورت مجلس کند رئیس شهر بانی بمجرد اینکه این دسته باز پرس و نماینده داد سرا را دید باور به فرمائید که خودش را باخت حالا ممکن است بگوید من تکذیب میکنم من این موضوع تکذیب می کنم را یک روز پشت این تریبون بنده را زدم ام گفتند که اینجاست بفرماندار نظامی مراجعه کردیم اتفاقاً قبل از اینکه از پیش رئیس شهر بانی حرکت کنیم آقای دکتر بقانی گفت ما

میدانیم این زندانی کجا است و میدانیم هم که فرماندار نظامی را هم میدانیم بفرماندار ولی معذکات میرویم رفتیم آنجا فرماندار نظامی نبود افسر نگهبان هم از خودش سلب مسئولیت کرد یک صورت مجلس در دژبان و یک صورت مجلس در فرمانداری نظامی بوجود آمد باز پرس و نماینده داد سرا نوشتند که ما آمدمیم بما زندانی را ارائه نکردند و رفتیم و این عملی بود که آن روز صورت گرفت من آنروز قطع کردم که همان عناصری که هنوز در این دستگاه ها ریوخ دارند برای بر باد دادن حبشیت ایران این شکنجه هارا کرده اند و الا هیچ منع قانونی نداشت و هیچ مشکل هم نبود که اجازه بدهند آخر این خیلی خنده آور است که دستگاه هیئت حاکمه بنمایند گان قانون که منتسب بخودش است اعتماد نداشته باشد این خیلی خنده آور است که دستگاه عدالت مملکت بدستگاه شهر بانی مملکت بدستگاه آدم کشی مملکت نامحرم باشد و اجازه ندهند که نماینده دادستان مطابق قانون و به نص قانون برود و یک عمل قانونی انجام بدهد آنوقت هی فریاد قانون هم میزنند داد قانون هم میزنند این رامن میخواستم مقدمه با اطلاع آقایان نمایندگان محترم برسانم چون همان شبش روزنامه گرامی باخترا امروز که متعلق به آقای دکتر حسین فاطمی است ایشان نوشتند که امروز از صبح تا غروب دو نفر نماینده مجلس بتمام مقامات مختلف مملکت برای نجات حسین خطیبی مراجعه کردند این مقامات مختلفه مملکت که ایشان نوشتند حلال زاده ها هم نمایانند کجا است و نوشتند که این ۲ نماینده مجلس بکدام مراجع قانونی مراجعه کردند اینها واقعا ننگ است رویشان نمی شود بنویسند باز پرس و نماینده دادستان آمدند بروند قانون را اجرا کنند مأمور حکومت نظامی و حکومت نظامی غیر قانونی البته (میرا شرافی - صحیح است غیر قانونی است) گفت که نمی شود این مقدمه مطلب بود و اما راجع به اصل موضوع خوب دقت کنید آقایان من خواهش می کنم از صمیم وجدان به این مطلب توجه کنید یک رئیس شهر بانی کشته شده یک دولتی هم سر کار است یک عده ای هم مخالف دارد مخالف های پر و پا قرص که تا پای مرگ ایستاده اند (بهادری - صحیح است) و از اعمال خلاف رویه دولت انتقاد میکنند دولت میخواهد از این صحنه استفاده کند پرونده را که برای من و شما نمی سازند پرونده را یک جور میسازند که آن بقال سر گذر هم قبول کند آن مرد عادی هم قبول کند آن وقت آمده اند خواستند پرونده را آن جور بسازند که افکار عمومی قبول کند آمدند اینطور کردند گفتند که دکتر بقانی میخواسته است کودتا کند رئیس دولت بشود مملکت را قبضه

کند نقشه کشیده اند گفته اند افشارطوس را از بین میبریم و مملکت را قبضه میکنیم به بیند در همین جمله همین عبارات چندتا نفی و خلاف وجود دارد البته شما میدانید با کشتن رئیس شهر بانی کسی نمیتواند رئیس الوزراء بشود فقط یک اتفاق افتاد توی این مملکت که رزم آرا کشته شد و حکومت دست لیدر جبهه ملی آمد و پس آنهم یک موقع خاصی بود یک زمان خاصی بود یک شرایط خاصی بود اما همه میدانند حتی همان بقال سر گذر هم که این داستانها را برای آنها میسازند آنها میدانند که با کشتن رئیس شهر بانی کسی رئیس الوزراء نمیشود به علاوه چطور شده رئیس ستاد ارتش آقای سرتیپ ریاحی عضو حزب ناسیونالیست و مأمور خرید اسلحه از خارج (میرا شرافی - وزیرالنجیب آینده) اجازه بدهید البته آقایان اطلاع دارید که در زمان دیکتاتوری دوره گذشته یک کمیسیونی بود باشم که بشیون رید اسلحه اینها خیلی قلدر بودند خیلی زورشان زیاد بود حتی دیکتاتور وقت هم حق اینها نبود امر ونهی بکنند و بانها بگوید بالای چشمتان ابروست نداشت آقای سر لشکر شفا می و یک عده ای دیگر عضو این کمیسیون بودند یک عده ای هم بعداً عضو شدند که همین آقای سرتیپ ریاحی یکی از آنها است من خواهش میکنم از رئیس دولت که خیلی میخواهد از رئیس ستادش دفاع کند پرونده خرید و پرونده باصلاح بعد از جنگ که ایشان رفته با انگلستان که تسویه حساب بکنند این پرونده را در معرض افکار عمومی بگذارند تا آقایان بدانند این آقایان که امروز شده است رئیس ستاد چه قدر باک و یا کیزه و منزه است این مطلبی است که به عرض مجلس شورای ملی میرسانم یک مطلبی نیست که من استنباط کرده ام یکی از افسران شرافتمند این مملکت که خودش هم از مؤسسين حزب ناسیونالیست در ارتش بوده است برای یک شخصیت بزرگ این مملکت جریبان راییقام داده و اگر لایحه سلب مصونیت دکتر بقانی مطرح شد و بکمیسیون داد گستری رفت آنجا بنده اگر اجازه بدهند شرفیاب خواهم شد و جریبان را بطور تفصیل خواهم گفت و آن افسر شرافتمند هم هیچ باکی ندارد که این حرفها را بگوید این افسر شرافتمند گفته است که تمام این بازیهای که در آورده اند برای کم کردن اصل مطلب است این مطلب را روشن خواهد کرد آقایان من این را شما بگویم و دلیل هم دارم خود فائز افشارطوس مأمور تعقیب پرونده قتل افشارطوس هستند خود آن کسانی که وجود افشارطوس برای آنها مانع شده بود و یک رفیق خطرناکی شده بود خود آنها آمدند و نقشه کشیدند

افشارطوس را ازین بردند مستغرم این نیست که بگویند دکتر بقائی و چهار تاسریب یکدانه آشیز و دوتا دهانی بیابان گسرد می خواستند کودتا بکنند در این مملکت و حکومت بدست بیاورند اما رئیس ستاد ارتش که با همدیگر رقابت داشتند آن را بیگناه کنار بگذارند و خود او مأمور تعقیب پرونده افشارطوس بشود، این جریانات آقا در مملکت ما تازگی ندارد منتهی حساب هیات حاکمه این شده است که تا آنجائی که زورشان میرسد می گویند تا آنجا که قدرت دارند عمل می کنند اما باید مابین حساب را در این مملکت بهم بزینم و آن حساب این است که هر جا زور باشد حق هم همانجاست و ما با خدا عهد کردیم که این حساب را بهم بزینم بگوئیم هر جاحق هست قدرت هم باید در استخدام حق قرار بگیرد لذا مامی بزینم توی این مملکت هر کی زور ندارد هر کاری می کند میگویند بدست نازور ندارد از بدیها انتقاد میکند همچو که زور بدستش می آید همه بدیهارا مرتکب می شود همه را هم می گوید خوبست و همه را هم شما باید بگوئید خوبست آقای دکتر مصدق آن روزی که زور نداشتند قدرت نداشتند سرنیزه در اختیارشان نبود توپ و تانک نداشتند شهر بانی پرونده ساز نداشتند مقابل زندان فاش می کردند حکومت نظامی را تعطیل عملی مشروطیت میدانستند یک روزنامه ایشان را بنده اینجا پشت تریبون فرستادم - کردم و روزنامه ها نوشتند و متأسفانه مغرب رادیو طهران این نامه را نگرفت که برادری طهران بدهد و او منتشر کند نه همین آقای دکتر مصدق است، ایشان آنوقت که زور نداشتند حکومت نظامی را تعطیل عملی مشروطیت میدانستند الان هفت یا هشت ماه است که قاجاقی توی این مملکت حکومت نظامی است و هیچ تعطیل مشروطیت هم نیست، برای اینکه مطابق قانون، نه آن بیشتر هم که یکوقتی آوردند مجلس تصویب کردند بعد از آن هر چه حکومت نظامی بوده بنام قانون هر ضمی کنم که قاجاقی بوده (میراشرافی - خود دولتش هم قاجاقی است رئیس الوزرائی که بمجلس نیامید قاجاقی است) (زنک رئیس) قانون حکومت نظامی اینطور است دولت می تواند اعلام کند و بلافاصله در ظرف یک هفته بمجلس می آید و مجلس هم در ظرف یک هفته تکلیف قانون حکومت نظامی را معلوم میکند، اگر مجلس این قانون را تصویب نکرد نمی تواند قانونیت داشته باشد مگر اینکه خود جناب آقای دکتر مصدق باستانان قانون اختیارات که جبراً گرفته اند این قانون را هم امضاء کنند برای جناب آقای دکتر مصدق آنوقتی که زور نداشتند این کارها بد بود اما حالا که الحمدلله زور پیدا کردند خیلی چیزها خوب شده متأسفانه خیلی کارها ایشان

آنوقتها می کردند که حالا که زور پیدا کرده اند بدشان می آید، بنده یاد می آید انتخابات دوره ۱۰ بود ایشان دومرتبه رفتند بدربار متعصب شدند بکسره آقایانی که واقعا مصلحت... (در اینموقع مجلس از اکثریت افتاد)

نایب رئیس - آقای قنات آبادی اکثریت نیست تأمل بفرمائید (پس از چند لحظه با ورود چند نفر اکثریت حاصل شد) بفرمائید

قنات آبادی - روزم آقایان را برده بله، یک عده از کسانی که واقعا طرفدار این بودند که مقام سلطنت نباید در کارها مداخله بکنند با ایشان اعتراض می کردند که خوب آقای دکتر مصدق شاه یک مقام غیر مسئولی است بچه مناسبت بدربار متعصب شده ای، از شاه چه میخواهی، شاه در چه امری دخالت بکنند... این کارها که خلاف قانون است، ایشان برای خودشان دخالت کردن را بی اشکال دیدند اما برای دیگران اشکال میدانند دخالت کردن را، ما معتقدیم که دخالت کردن شاه مملکت در امورات کشور برای هر کسی غلط است، این عقیده ماست (صحیح است) اما جناب آقای دکتر مصدق دخالت کردن بفتح خودشان را خوب میدانستند و بنفع عمرو و زید و بکر و خالد را بد میدانند، این را بهش میگویند یک بام و دو هوا، یک مطلب دیگری که بنده میخواهم اینجا عرض کنم از نظری و وظیفه ای که دارم اینست که لابد آقایان محترم اطلاع دارند که قریب چهار یا پنج ماه قبل یک فاجعه بسیار بدی برای هموطنان شما رخ داد و در یک گوشه محنت زده کشور شما بنام طرود یک زلزله ای اتفاق افتاد که قریب ۹۰ درصد مردم اینجا زیر آوار رفتند و کشته شدند، زندگی و سرمایه آنها از بین رفت اقداماتی از طرف دستجات مختلف برای اعانه باین زلزله زدگان شروع شد، من آنروزها با وجودیکه میدانستم دولت لطفی بمن ندارد دیدم روی موضوع طرود خوب تبلیغ میکنند، گفتم خوب الحمدلله دولت اینجا ملاحظه شخص را نکرده، با وجود اینکه من ارادتی بدولت ندارم و او هم لطفی بمن ندارد اما بعمدالله چون آنجا هم هموطنان ما هستند خوب تبلیغ میکنند و مشغول اخذ اعانه است و درصدد است که یک کاری صورت بدهد، اکنون آقایان نمایندگان محترم قریب پنجاه از آن تاریخ میگذرد و از آنروزی که بنده اینجا در مجلس شورای ملی بمرض آقایان نمایندگان محترم رساندم که اجساد آنها زیر آوار است و نزدیک است فضای آنها را مسموم بکند و ایجاد مرض بکند و تقاضا کردم از دولت و مردم خیر که هر عملی که میتوانند بکنند، زودتر اقدام بکنند تا این محیط آلوده بمرض نشود و همانروزیکه این عرض

را اینجا کردم در همان روز قریب پانصد شصت هزار تومان مردم خیرایران و سایر کشورها برای ترمیم وضع بد و خراب مردم طرود پول داده بودند، پول نقد داده بودند، بنده اینمدت هر چه سؤال کردم که آقای دولت برای مردم چه کرده اید؟ چیزی بدست نیاوردم، آن نقطه الان آلوده بمرض شده تمام اجساد که زیر آوار رفته بوسیله خنل و فرجهائی که در آن منطقه هست، اینها همه ورم کرده، گندزده، کثیف شده و تمام آن فضا را تبدیل به یک منطقه مرض و حشتناک کرده البته میدانید در طرود کسبه عمال انگلیس نبودند، در طرود که چتر بازرجاری نبوده، آنجا که قیام علیه امنیت مملکت نشده، آنجا کسی نمونده که قیامی علیه مملکت بکند یا چتر بازرجاری بیاید، هیچ این حرفها نبوده جز اینکه این دولت اصلا نمیتواند کار بکند این دولت حرف خیلی خوب میتواند بزند، تبلیغ خیلی خوب میتواند بکند فحش خیلی خوب میتواند بدهد دشنام خیلی خوب میتواند بدهد اما کار نمیتواند بکند بملت اینکه روز بروز ار گانهای دولت و بلند گوی دولت دشنام و فحش شان بدسته انتقاد کنندگان زیادتر میشود، فقط میخواهند با فحش و تمهت و افتراء جبران این را که نتوانستند کار بکنند بکنند از هر چه بگذری سخن دوست خوشتر است، مطلبی که لازم میدانم در خاتمه عرضم...

نایب رئیس - دو دقیقه بیشتر وقت ندارید

قنات آبادی - شاید دوسه دقیقه یا بیشتر طول بکشد با اطلاع آقایان نمایندگان محترم مجلس شورای ملی میرسانم موضوع فروش نفت است همه تان شنیده اید و دولت هم هر روز ابلاغ میکنند و اعلام میکنند متعصبین دولت علیه هم صحه میکنند که دولت موفق شده زنجیرهای محاصره را پاره کرده نفت را بدنیای خارج داده بازارها را دارد تصرف میکنند با چه قیمتی؟ صدی پنجاه تخفیف صدی بیست و پنج هم برای غرامت کثیر میکنند صد ۲۰ هم برای لیران میماند البته اینجا بر متخصصین فنی مملکت بر آنهاست که آنها بفرمایند این صدی بیست و پنج که میماند آیا بهمین میزان خرج تصفیه و استخراج نفت میشود یا نه؟ این یک مطلب یکی دیگر هم آقایانی که تصور تحویل اشیاء هستند در قبال این صدی ۲۰ آنها بیایند بگویند که این چیزهائی که بامیدهند و این صدی بیست و پنج را میگیرند اینها تفاوت قیمتش چه میشود اما من باین تفاوت کار ندارم دو چیز میخواهم بهمم یکی اینکه آن آقایانی که دارند اینطور میکنند و تروت ملی ما را دور میریزند آیا تضمین

میکند که این عمل آنها سبب بدست آوردن بازار برای آنها میشود دولت آقای دکتر مصدق که این بدل و بخشش را میکند بملت ایران ضمانت میدهد که این بدل و بخشش را میکند بملت ایران ضمانت میدهد که این بدل و بخشش و حیف و میل سبب بدست آوردن بازار در دنیا میشود و ما میتوانیم بازار جهانی را بدست بیاوریم این را با بدهند ما هر ضمی نداریم یکی این مطلب و یکی یک نکته ای هست که من میخواهم با اجازه آقایان نمایندگان محترم این حرفها را بمرم عادی مملکت بزینم و آن اینست که مردم ایران باید این را بدانند که تمام نفت فروشهای دنیا با هم شریکند من بلسان آن ها میگویم چون مطلبی که میخواهم بگویم میخواهم مردم عادی مملکت درک کنند تمام نفت فروشهای دنیا با همدیگر شریکند می خواهد این نفت فروش انگلیسی باشد می خواهد آمریکائی باشد میخواهد ایتالیائی باشد میخواهد ژاپنی باشد یعنی نفت دنیا در انحصار کارتلهاست که این کارتلها با هم دیگر شریکند که دستشان توی دست یک دیگر است این نفتی که از منابع نفتی ما خارج میشود اگر ژاپنی بفروشد میرود بحساب همان شرکاء اگر آمریکا بفروشد میرود بحساب همان شرکاء و اگر بافریقائی هم بفروشد باز میرود بحساب همان شرکاء یعنی نتیجه اش این میشود که مملکت را ملی کرده ایم تا با این تخفیفهای عجیب و غریب دومرتبه با آنها بفروشیم یعنی مازحمت می کشیم و قیام می کنیم پدر صاحب ملت درمی آید در مقابل شکننده ترین ضربات اقتصادی جان میکند و نفت را مجاناً تقدیم انگلیسها میکنیم و اگر قیاز اینست بیایند با اطلاع ملت ایران برسانند (میراشرافی - این ۵۰ درصد تخفیف مقدمه معامله با شرکاء سابق است این همان چیزی است که رزم آراء توی جیبش داشت)

نایب رئیس - آقای حائری زاده حائری زاده - من سعی دارم که حتی الامکان کمتر وقت آقایان و رفقا را در نظر قبل از دستور مشغول کنم ولی حوادث و اوضاع و احوال هائی که شده است من را مجبور کرد که وقت آقایان را بگیرم در مجلس سه موضوع را من باید توضیح بدهم هر قسمتی که شد امروز صحبت میکنم و اگر نشد آقایان اجازه میدهند بعدها صحبت میکنم یک موضوع چون خیلی از من پرسیده میشود که چرا سلب اعتماد از دولت آقای دکتر مصدق نموده ای این یک موضوع است که باید در اطراف این من بیک قدری توضیحات بدهم که در کمتر مصدق ارتباطی که ما با هم در سیاست پیدا کردیم روی چه اصولی بود چه شد که آمد؟ اشتباهات او در سیاست بود؟ موافقت با سکتور من روی چه بود؟

مخالفت شدید من اخیراً روی چه موضوعی است ، این باید در اطرافش قدری صحبت شود يك موضوع دیگر هم برای اینستکه برای ۲۷ فروردین ما مهاجرت کردیم و بجات تعطیل موقت مجلس را فراهم کردیم یکی اینکه چرا دوماه به آمدیم و مشغول شدیم برای انجام وظیفه این سه چیز است که باید در اطرافش صحبت شود ، من خیلی نمیخواهم به نظر آقایان بکنم و سوابق قبل از ۹۹ بنام دکتر مصدق را صحبت کنم چون بهیچ وجه است که جناب دکتر مصدق از یک دلیل خیلی قدیمی هستند مادرشان از قاجار پدرشان هم از مستوفیهای مملکت و در دربار مظفرالدینشاه ایشان آنجا تربیت شده اند و بزرگ شده اند و بعد هم وارد خدمت استیفاء شده اند فراموشی که صحبتها هست در اطرافش من مدار کنم موجود ندارم و پرونده هایش را هم مسلماً دولت در اختیار ما نمیگذارد و راجع بآن فراموشی که راست یا دروغ می گفتند ساخته شده ، وارد آن موضوع نمی شوم ، آنها مشمول مرور زمان شده ، من وارد آنها نمی شوم چیزی که خود من وارد این جریان شدم ، موقع جنگ بین المللی اول چون من بچه بودم ولی يك آدم تسلیم و مطیع و راحت نبودم (رفیع - مثل حالا) (خنده نمایندگان) بدتر از حالا بودم ، در آن موقع قوای انگلستان که برای جنگ آمده بود بایران و مهاجرت بیش آمد کرد مجلس ایران در نتیجه مهاجرت تعطیل شد و من در آن موقع جنوب بمصلحت قوای انگلیس تشخص ندادند ، حالا اسمش را تبعید میگذارید ، اسمش را احضار میگذارید آمدن در طهران و در تهران هم سرگردان و بلا تکلیف تا موقعی که انقلاب روسیه پیش آمد و اوضاع صورت دیگری پیدا کرد ، من توانستم دو مرتبه بر گردم به بزد - با اینکه من رئیس قلیفه و ایل و عشیره ای نبودم که بگویند ایل نشانی اردو کشیده - من بودم و زبانم مطالبی را که میفهمیدم محافظه کاری نمی کردم و با مردم میگفتم ، این بمصلحت انگلیسها نبود ، من تبعیدی در بدر تهران سرگردان بودم ، پرونده وزارت کشور شاهد این مدعاست ، آقای عدل الملک دادگر در آن موقع معاون وزارت کشور بودند من را احضار کردند و من آنجا گفتم که آخر من را چرا احضار کرده اید ؟ چه آزمایشی دارید فرمودند که بله حوادث ایران که در داخله اتفاق می افتد ممکن است در خارج برای خارجیهها زحمت فراهم کند ، برای اینکه چنین مزاحمتی ایجاد نشود ما بمصلحت دیدیم که بیایند تهران - و در همان موقع که ما سرگردان بودیم جناب دکتر مصدق وارد ایران شد و با ما که رسیدند استناد از فارس شدند بنده تبعید و سرگردان ولی ایشان طرف اعتماد حکومت دولتی که امروز فرمانفرمای جهان بود و انگلستان بود ، بودند و استناد از فارس شدند - کودتا

بیش آمد کرد کودتا را قرار بود دائی زاده ایشان نصرت الدوله بکنند حوادث در این میان بازی کرد و آقا سید ضیاء الدین کرد جناب فسنول انگلیس تلگراف کرد بدولت وقت که جناب دکتر مصدق خیلی خوب رفتار کردند در فارس خوب است که دولت مرکزی بایشان اطمینان بدهد که نگران نباشند ، این را که عرض میکنم در این مجلس چون تلگرافش را خوانده بودند من عرض میکنم و استنادش هست در پرونده های مجلس ایشان از حکومت مرکزی اطمینان پیدا نکردند تشریف بردند بختیاری منزل سردار محترم بختیاری - حکومت سید يك چند روزی بیشتر دوام نکرد و سقوط کرد آنروز سیاستی غیر از سیاست انگلستان در ایران نبود تمام انتخابات ، تمام بگریه ها ، تمام مأموریت ها در سایه تقویت آن مقام غیر صالح بود ، دولت تشکیلی شد در طهران جناب دکتر در بختیاری تشریف داشتند ولی طرف اعتماد کامل بودند در غیاب ایشان ایشانرا بعنوان وزارت دارائی تعیین کردند و دعوتشان کردند بتهران ، اینها ادله ایست که سوابق ایشان و وضعیت ایشان نسبت به سیاست اجتنابی از چه قرار بوده ولی يك نوکر اجتنابی دیگری پیدا شد که همه را گویند آن رئیس قزاق که آمد و تهران را قبضه کرد و همه را گویند چه نوگرهای ارباب خودش را چه مخالفین آنها را جناب دکتر مصدق در دوره رضاخان مطرود واقع شدند ولی البته خدای ایران خدای ایشان خدای رضا - خان سلامتی ایشان را تأمین کرد و تا بحال این ذخیره برای ما ماند و من مطمئن شدم که این مملکتی که مثل سایر ممالک شرقی اجتنابیها در آنجا فرمانفرما بودند اشخاصی که از سیاست شوم اجتنابی صدمه دیده اند حس انتقامی در آنها تولید شده و برای مبارزه با اجتنابی ساعی و جاهد هستند و میتوان با آنها صد درصد اعتماد کرد حقیقتاً جناب دکتر مصدق برای اینکه اقلیت تخریبی در مجلس باشد وجودش بسیار مفید بود و من در انتخابات فعالیت بسیار کردم مردم تهران کوشش کردند خود ایشان کنفرانسها دادند تا موفق شدیم آمدیم باین مجلس حمایتها و علاقه مندی من نسبت بجناب دکتر مصدق از نظر نمایندگان اقلیت و انتقاد از دستگام حکومت بوده و حالاً هم هست ، اگر سنشان مقتضی باشد حالا هم معتقدم که يك وکیل انتقادی تخریبی خوبی هستند در مجلس این را حالا دم در باره ایشان معتقدم ، اما موضوع نفت ، من وارد آن کشمکش های سی سال پیش نمیشوم که در مجلس نطق من هست کشمکشهایی که با کمیته داری داشتیم منتهی قدرت انگلستان مافوق این حرفها بود ، ما يك چیزی می گفتیم خنده میکردند و مسخره میکردند در دوره چهاردهم مجلس بنده در مجلس نبودم ،

در خارج که روزنامه هارا میخواندم يك طرحی جناب دکتر به مجلس داده بودند که در امتیاز بخارجی هیچ دولتی حق ندارد وارد مذاکره بشود ، بعقیده من آن طرح را اگر آقایان مطالعه بفرمایند که صورت قانون بخودش گرفته از جنبه انشاء املاء و معنی خیلی ساده نیست ، آن چیزی را که قوام السلطنه در آخر آن قانونی که از مجلس گذشت موافقت کرد که حساب کمیته هم گرسیدگی شود در این چیزیکه مفهوم این معنی باشد نبوده و فقط برای جلو گرفتن روستاها مفید بوده ، حالاً چه اشخاصی ذینفع بودند و در کجا تنظیم شده يك اخباری بمن رسیده که چون مدرکی در دست ندارم در اطراف آن نمیخواهم صحبت بکنم که مذاکره کرده اند که این طرح را آقا سید ضیاء الدین بدهد بمجلس یا جناب دکتر مصدق مصلحت دانستند که آقای دکتر مصدق بدهد طرز انشاء و عبارت آن طرح ترجمه يك طرح خارجی است و کسانی که اطلاع دارند میدانند که ترجمه است ، انشاء نیست ، این طرح در مجلس مطرح می شود رحیمیان نامی در مجلس بوده که وکیل قوچان بوده و یکی از وکلانی بود که در دوره ۱ همکار ما بود ، او طرحی حاضر میکند و در همان موقعی که ایشان این طرح را میدهند ، برای الغای قرارداد انگلیسها ، ایشان گویا میگویند قرارداد است و بی توافق طرفین قابل الغاء نیست این موضوع مسکوت میماند و دوره پانزدهم جناب دکتر در مجلس تشریف نداشتند کسانی که در مجلس بودند بعضی معنا کومک کردند بعضی علناً مبارزه کردند در کار نفت جناب دکتر در این صف نبودند ایشان بیرون تشریف داشتند ، آقای مکی بود این آقای دکتر بقائمی بود ، عبد القادر آزاد بود ، يك عدد ای بودند و آن ساعات خطرناک و آنروزهایی که خداوند برای هیچ ایرانی وجود نیآورد که ما امید بهیچ چیز نداشتیم غیر از فضل خداوندی و آن مبارزه با کمیته شروع شد دوستان خیلی نزدیک ما با ما نظر ترحم نگاه میکردند که شما خودتان بایای خودتان مسلخ میروید با این عملی که انجام میدهید ساراده خداوندی ، همت ملت ایران مخصوصاً مردم تهران موجب شد که آن عملی که در آن چند روز آخر مجلس راجع بمبارزه نفت و انگلستان در مجلس شروع شد و آن روز انگلستان نقشه اش شکست خورد عملی نشد و همینطور را که ماند حوادث ذینام بملت ایران کومک کرد و اوضاع را برای انگلستان تیرم و تار کرد پس از اینکه ما را حبس کردند و انتخابات صندوقش را عوض کردند ، دوماه تبعید کردند انتخابات را جناب دکتر در آن جریانها هیچ وارد نبود بقول آقای شمس قنات آبادی کسانی که آن روزها را اجتنابی و اجنبی پرست و دشمن ایران میدانستند همانها خودشان مسبب این

اصلاحات هستند ، افتخارشان این بود که نطقهایی را که در مجلس ماها کرده بودیم چاپ و منتشر کنند امروز هم ماها جزو نامحرمان هستیم و کسانی که بعقیده من جناح چاپ انگلستان هستند ماشین را دارند می چرخانند این عقیده من است و خدا کند اشتباه کرده باشم ، موقعیکه ما با جناب دکتر مصدق در مجلس شروع ب همکاری کردیم ، اختلاف سابقه از قدیم با ایشان بود ، لازم هم نیست دو نفر در تمام مسائل با هم دیگر توافق داشته باشند .

نایب رئیس - وقت جنابعالی تمام شده است آقای حائری زاده

حائری زاده - من خیلی مطلب دارم اگر آقایان اجازه میدهند حالا صحبت می کنم اجازه نمیدهند يك وقت دیگر صحبت میکنم ، من این حرفها را پشت این تریبون اگر زنده ماندم باید بگویم تا ملت ایران و دنیا روشن بشوند که این آتش از کجا شعله گرفته آن شیاطین و مغربین مملکت چه اشخاصی هستند اینها را باید بشناسند ، من وظیفه ام را باید انجام بدهم اگر حالا اجازه میدهند حالا عرض میکنم و الا بعد .

نایب رئیس - چقدر وقت میخواهید ؟

حائری زاده - من نیم ساعت میخواهم اگر اجازه بدهند .

نایب رئیس - آقایانی که موافقت با نیم ساعت آقای حائری زاده را داده اند بصحبت قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد . بفرمائید .

حائری زاده - عرضکنم در موضوع نفت ما جلسات زیادی تشکیل دادیم آن جلسات مرتب بود از افرادی که در مجلس بعنوان نمایندگان آمده بودند یا رفیقانی که بنام جبهه ملی در خارج بودند و در مجلس وارد نشده بودند ، آن مجلسهای ماصورت مجالسی نداشت ولی خوشبختانه همه شان حی و حاضرند و شاهد واقعه هستند ، در آنجا هم اختلاف سابقه خیلی بود ، برای طرز کوتاه کردن دست انگلستان جناب دکتر معتقد بودند که قرارداد ۱۹۳۳ که با کره و اجبار تهیه و تنظیم شده بود ، بر فرض مأمور بشویم و آنرا ملغی کنیم قرارداد ۱۹۰۱ داری بقوت خودش باقی است و تا ۶۰ سال یعنی ۱۹۶۱ این استثمار و بهره برداری را انگلستان خواهد داشت ، اشتدلالی که من علیه ایشان میکنم این بود که يك قراردادی با توافق طرفین لغو شده ، طرفین توافق کرده اند ، موضوعی دیگر برای این قرار داد باقی نمانده موقوفی بدین اعلام کردیم که قرارداد ۱۹۳۳ با کره و اجبار و فشار و حکومت قدری رضاخانی بوده موضوعی دیگر برای قرارداد باقی نخواهد ماند ، باید حساب کمیته از ۱۹۰۱ تا ۱۹۳۳ طبق قرارداد داری تصفیه شود و از ۱۹۳۳ بعد باید يك حق العملی برای سایرین که

نقطه ایران را استخراج و تصفیه میکردند در دنیا میفروختند مافائل شویم بیشتر با نهانی توانیم حتی بدهیم و اگر وارد این حساب بشویم میلیاردها ماطلب داریم از انگلستان حقوق ایران را نصب کرده برده ماطلب داریم باید بگیریم این بحث خیلی طول کشید تا وقتیکه مبرا کرده شد که باید اصل دیگری را که خود دولت انگلستان دولت کارگری در مملکت خودش عمل کرده است ما این اصل را اتخاذ کنیم تا از بیچ و تاب معاکم بین المللی و اصول حقوقی نجات پیدا کنیم و آن اصل ملی شدن نفت است و میگوئیم گذشته هر چه بوده صحیح یا غلط میگوئیم امروز احتیاجات ملی ایران با اجازه میدهد که اکتشاف و استخراج نفت را بطور ملی خودمان اداره کنیم. سر فرمهایی که به چه فرم بیرون بیاید بحث و انتقاد شد. من نظرم هست اولین مجلسی که این مطالب بروی کاغذ آمد در منزل آقای نریمان بود با حضور حضرت آیت الله کاشانی و سایر رفقای که در آن موقع با ما رفیق بودند در این موضوع طرح ملی شدن مطرح شد و روی کاغذ آمد جناب دکتر اینرا احتیاج مطالعه دانستند که موافقت کنند و بعد از چندی ایشان هم موافق شدند ولی در آن جلسه موافقت نکردند این هم برای یک شخص حقوقی ایراد نیست که بخواهد مطالعه کند و بعد نظر بدهد فرمهای مختلفی برای طرز ملی شدن تهیه شد یکی از فرمها فرمی بود که باید اسمش را گذاشت فرمی که من تهیه کرده بودم البته من تنها که تهیه نکردم باز فقامشورت می کردم و حسن وقت به شرح امینیدیم ولی عبارتش زامن تهیه کرده بودم (مهندس حسینی - باکی مشاوره میکردید ؟) با کسیکه بعد پشیمان شد و گفت عجالتاً مسکوت می گذاریم این طرح تهیه شد، برای این طرح در سه موضوع در نظر ما بود یکی کوتاه کردن دست انگلستان بود از ایران که قدم اول فکر ما بود دوم اینست که ملت ایران از منابع نفتی بهره مند بشود نه این که در دروازه نفت را ببندیم بگوئیم ما نفت نداریم نظر ما این بود مردم ایران از این منابع ثروت استفاده بکنند و دست انگلستان هم کوتاه بشود و یک موضوع دیگری که طرف توجه من بود این بود که نفت را در ایران فقط جنبه اقتصادی مورد توجه ما باشد جنبه سیاسی را در ایران بکشیم که ایران بواسطه نفت مله سیاست های خارجی نباشد تا هر روز یک مشت بیغز این ایرانی ضعیف از طرف دولت قوی گویند شود. حفظ بیطرفی ملت ایران شده باشد یکی دیگر فکر من این بود که ملت ما ملل دوی زمین را که مشتری نفت ما هستند با آنها از این نمده کلاهی بدهیم که آنها با ما کمک باشند نه کمک انگلستان. بدیهی است یک ضعف از قوی وقتی با هم کشمکش میکنند عدالت دنیا هنوز با ندرجه ای بر سر است

که درست قوی و ضعیف را در یک کپه ترازو بسنجد آن قوی و سایر دارد استدلال می کند تهیه اسباب می کند هوو جنجال می کند رادیو دستش است. تبلیغات می کند همه جور وسیله دارد، ممالک قوی را هم سهم بکنیم تا از دست انگلستان نجات پیدا کنیم این طرح من مشر این معنی بود (بعد عبارتش را برای آقایان قرائت می کنم) که ما اکتشاف و استخراج نفت را بطریق ملی اداره بکنیم حق ندهیم به کمیانیهای اجنبی که در کوهها و دشت و بیابان و شهرهای ما بمنوان اکتشاف بدهورها باشند و با اسم نفت هزار جور جنایت و جاسوسی را انجام بدهند ما دست اینها را ببندیم و همچنین استخراج نفت یک موقعی در دنیا حوادثی پیش آمد میکند که مصلحت ایران نیست نفتش را بفروشد بتوانیم این شیر نفت را ببندیم، اکتشاف و استخراجش تحت اختیار دولت که نماینده ملت ایران است باشد. ایر عملیات نفتی از قبیل تصفیه و حمل و نقل، خرید و فروش تمام کارها صدر شده کار دارد کمیانیهای مختلفی برای این کارها تشکیل بشود که نصف سهامش ما از ایران باشد و نصف سهامش راه هم ملل روی زمین حق داشته باشند خریداری بکنند سهامش هم البته با اسم باشد غیر قابل انتقال باشد و هیچ ملت و مملکتی بیش از عشر از سهام را حق نداشته باشد مالک بشود ملت آن ممالکی هم که سهام را میخرند مجلس ایران تصدیق بکنند نه اینکه پنج حکومتی که توی شکم حکومت انگلستان است یا مللی که توی شکم حکومت اتحاد جماهیر شوروی است با اسمی مختلف این سهام را بخرند و ما بهمان دردی که در مسئله شلات گرفتار بودیم گرفتار بشویم این پیش بینیها زامن در موقع تنظیم آن طرح کرده بودم این طرح عبارتست از:

- ۱- مجلس شورای ملی دولت را مکلف میسازد کلیه عملیات اکتشاف و استخراج نفت را در تمام ایران خود عهده دار شده بطریق صنعت ملی اداره نماید.
- ۲- در اجرای ماده ۱ دولت مکلف است عملیات متکی بقرادادهای غیر قانونی ۱۹۰۱ و ۱۹۳۳ کلا خاتمه دهد.
- ۳- دولت اجازه دارد برای حمل و نقل و لوله کشی و تصفیه و سایر عملیات فنی و تجاری و غیره اعم از بری و بحری و هوایی داخلی و خارجی شرکتها را تشکیل دهد که اقلاً نصف سهام با اسم آن متعلق بدولت ایران باشد و بقیه سهام با اسم سایر ممالک خارجی باشد. دولت میتواند مالک شوند مشروط بر اینکه هیچیک از ممالک و اتباع آنها روی هر فته حق مالکیت بیش از عشر سهام را نداشته باشند و مجلس شورای ملی قبلاً موافقت با اوا کناری سهام بهریک از ممالک خریدار و اتباع آنها نموده باشد. این طرح را بنده تقدیم کردم جناب دکتر

مصدق امضایشان پسای این طرح هست، دکتر شایگان - آزاد - اللهیار صالح - دکتر بقائی کرمانی - دکتر بقائی تاریخ هم گذاشته است ۲۹۹۳۰ که این معلوم میکند این طرح قبل از کشته شدن رزم آرا تهیه شده است و این طرح را ما نتوانستیم به ۱۵ امضاء در مجلس برسانیم زیرا مجلس آنروز هم شبیه مجلس امروزه بود از حکومت وقت بود ما نتوانستیم اینکار را انجام بدهیم این ماند این طرح و بعضی از آقایان رفقا هم که اول در تنظیم این طرح با آنها مشورت شد موافقت فرمودند بعد یکی از آقایان گفت که شما دست انگلستان را میل دارید کوتاه کنید و ممالک دیگر را وارد ایران کنید آنهم پشیمان شد و حرفش را مسکوت گذاشت در صورتی که من معتقدم ایران نمیتواند مثل چین قدیم حصار دور خودش بکشد ما باید با تمام ممالک روی زمین روابط حسنه داشته باشیم روابط اقتصادی داشته باشیم روابط فرهنگی داشته باشیم ما باید با دنیای امروز با هم همکاری بکنیم و مله به هیچ یک از این دول و ممالک نباید باشیم با هیچیک از این دول و ممالک هم ستیز نباید بکنیم ما باید وضعیت ایران را یک وضعیت بیطرف که مفید باشد وجود ایران آبادی ایران برای تمام ملل روی زمین درست کنیم (نریمان - مداخله هم نباید بهشان بدهیم) ما دخالت به هیچ دولت و مملکتی نباید بدهیم ولی دروازه را بروی هیچ دولتی نباید ببندیم ما وقتی اجازه دادیم که روسها اینجا مرخصانه داشته باشند اجازه دادیم انگلستان در اینجا مرخصانه داشته باشند باید بهشان اجازه بدهیم ما باید همه ممالک را بچشم واحد ببینیم سیاست بیطرفی را همیشه در نظر داشته باشیم و کاملاً رعایت کنیم حیات ایران و روی سیاست بیطرفی است ما جنبه اقتصادی نفت را باید شکلی تأمین کنیم که ملت ایران منتفع بشود نه اینکه وعدههای دروغی ب مردم ایران بدهیم که اگر یک روز دیر تر این طرح بگذرد روزی سیصد هزاره لیره ضرر است دو سال گذشته است غیر از در سرکاری هاید مانده برای اینکه باید سلیقه خوب نبوده باید ایادی فاسد مردموزی بلباس دوستی وارد مغز مصدق شدند و پارا از آن خط سیری که در پیش گرفته بودیم که وحدت ملت ایران و ایجاد اختلاف بین کمیانیهای نفتی و نفت جنوب بود از آن محور ما را منحرف کردند امروزه در ایران رویه ای حکومت اتخاذ کرده که برادر با برادر پدر با پسر زارع و مالک، مالک و مستاجر تمام طبقات را هم با یکدیگر خونری کرده. آن وحدتی را که ما ایجاد کرده بودیم یعنی خود ملت ایران هوش و فراست و استعدادش فهمیده بود که در سایه وحدت میتواند در مقابل اجانب ایستادگی بکند. آنروزهایی که مادر مجلس تهران بودیم دستپاچه مردم را میلو کردند

در مجلس آنجا این شکلیهاهایی که من امروز میشنوم نبود و امروز نشنیده بودم در مجلس ولی امروز میشنوم وقتی مرخصشان میکردند که بروند من فراموش نمیکتم من آنجا توی مرخصخانه خوابیده بودم آنها پشت پنجره گریه میکردند که ما شمارا اینجا گذاشته ایم کجا برویم من میگفتم موقع مبارزه انتخاباتی است باید بروید جهاد کنید ما که دستمان نمیرسد اینجا خوابیده ایم شما بروید مبارزه خودتان را ادامه بدهید مردم باید ایمانی بایک وحدتی از تمام طبقات برای مبارزه با اجنبی کنفس الواحد قیام کردند کوشش کردند حالا ممکن است ما اشتباه کرده بودیم دکتر مصدق را با آن سوابقی که داشت گفتیم که فشار دوره دیکتاتوری را دیده است نطقها و بیاناتی را که در مجلس دارد ب مردم مجرب است از وجود او ب نفع مملکت میشود استفاده کرد مع الوصف ما هیچوقت او را گذاشتیم نخست وزیر نمی کردیم از خود او بر سرید از رفقا بر سرید هیچوقت در صحبت ما در جبهه ملی در آن فرا کسبونی که داشتیم اسم اینکه آقای دکتر مصدق گذاشته نخست وزیر است برده نشده است اگر برده میشد همه با آن مخالفت میکردیم چون اسباب حکومت نداریم حزب و تشکیلات و اسباب و ابزار که بتوانیم تعولی در مملکت ایجاد بکنیم و مملکت را از دستگاه هزار فامیل نجات بدهیم نداریم ما معایب را میتوانیم تذکر بدهیم سبک بگذاریم لای چرخ دولت که بطرف سقوط نرود نگاهش داریم تا این محیط رجحان ملی تربیت کند، آدمهایی رشد و نمو کنند چون در دوره بیست ساله هر چه رجال بود از بین بردند و یک مشت بیرونیاتال مانند مثل بنده که یک مشت نمی ارزیدند و یک مشت هم نوکر تربیت کردند آقا و آقا منشی که مملکت را مال خودشان کردند و بیاتمام دنیا مبارزه کنند تربیت کردند این مرور می خواهد زمان می خواهد که آدم تربیت بشود و یک مشت جوان های ما راهم فرستادند برای تحصیل بخارج و افرادی که در مملکت برای دفاع از اجتماع بایستند و مبارزه کنند نبود این یک چیزی نیست که شما بروید درد کان عطاری بگیرید، رجال را در دوره ۲۰ ساله در دوره شاه سابق تخمش را بر انداختند در این مملکت رجالی که بایستند برای دفاع از حقوق ملت و مملکت خودشان امروز نیست خیلی کم شده اند و عاجز و ناتوان در کنارها افتاده اند، کسانی هم هستند که حسابگر هستند که امروزه سیاست بین المللی چطور است روس و انگلیس و امریکا چه میکنند پول کجا می دهند و همه اش پایه اش روی قدرت های دیگران است که می خواهند زندگی کنند و همه اش با مال مردم می خواهند آقایی بکنند، هیچ ملک و دولتی تا خودش فداکاری نکند نمی تواند در دنیا آقایی بکند ملل و ممالکی که با آنها

مل و ممالک دیگر استقلال دارند وزن شعر است این حرفها دروغ است باید هر ملتی خودش برای آقائی خودش فداکاری بکند جانبازی بکند هر خطری را تحمل بکند تا بر منزل مقصود برسد حالا جنات دکتر ضعف روحی دارند یا سوابق زندگانیشان طوری بوده است هر چه هست آن خط شیری را که ما داشتیم از آن خط ایشان منحرف شدند نگاه کنید این دستگاه نفت، این مکی رفت آنجا فداکاری کرد زحمت کشید امروز مطرود دستگاه است، کسانیکه در دوره پانزدهم چشم از حیثاتشان پوشیدند و مبارزه کرده اند امروز برایشان پرونده میسازند، آزاد بیچاره و بدبخت گرسنگی میخورند توی کوچه ها، این وضعیت زندگانی آنهاست که برای نفت مبارزه کردند ولی آن کسانیکه نشان وفاداری انگلستان را دارند آنها از شان دفاع میشود کسانی که فرار داد ۱۹۳۳ را در مجلس گذرانند و رای دادند و نایب رئیس بودند اینها زمام نفت را بدست میگیرند بعلوا حلوا گفتن دهقان شیرین نمی شود باید رفت روی عمل من هیچوقت در زندگی رویه مرید و مراد نداشته ام که وقتی آقای امامی اهری ارادت داشته باشم هر چه ایشان بگویند چشم بسته بگویم صحیح است مسلما من همچو ارادتی به هیچکس نداشته ام ارادت بایشان دارم و مطالبشان را هم گوش میدهم فرمایشاتشان را استماع میکنم آن نکته اش که با ترازی عقل من و منطق عقل من سنجش دارد تبعیت میکنم، جناب دکتر مصدق را من در ترازی فکر خودم سنجیده ام گفتم خوب راست است این سوابق را در کتر مصدق دارد این فامیلی مخلوق انگلستان هستند، اینها از صد فامیلی هستند که انگلستان آباء و اجدادشان را نشان داده فرمان داده، لقب داده، منصب داده و مقام داده، استانداری داده، همه چیز داده ولی این آدم کسی است که ۲۰ سال توسری نوکر انگلستان را خورده چه میخواهد آخر عمری، ثروت و اندوخته و ذخیره که از سابق بهر اسم و رسمی که هست دارد، نمی توانم وارد رسیدگی بسبب است گذشته اوبشویم که اینها را از کجا آورده، زندگی شخصیش که تا این است از حیث حیثیت و آبرو که ملت ایران امروز اورا روی شاه خودش می گذارند و احترام میگذارند مگر چند هزار سال می خواهد هم بکند در دنیا، غرض هم چهار، پنج، ده سال دیگر بیشتر نیست، این را هم برای اختیار خودش برای مبارزه ملت خودش صرف خواهد کرد، این حساب من این ترازی من این حکم را، کرد در موقعی که ایشان داوطلب نخست وزیری شدند و رئیس الوزراء شدند من مخالفت با ایشان نکردم گفتم خوب این بدتر از رژیم آراء بدتر از رژیم بود و بدتر از ساعدت نیست، خوب

یک شخصی است که آمده در یک وقتتهائی که اختلاف سلیقه داشتیم من اختلاف سلیقه خود را اظهار کردم، بنده موضوع نفت را معتقد بودم که اگر این روش و این خطه مشی را دکتر مصدق تعقیب کرده بود امروزه دستگاه نفت معطل بود و نه انگلستان در ایران نفوذ داشت، سطح زندگانی مردم بالا آمده بود شما در کوچه که میبایستید یک لشکر کما هوچی و جاسوس دورتان را نمی گرفت مردم همه دنبال کشت و کارشان بودند این یا مال اشتباهی است که ایشان در سیاست کرده اند یا آنچه من در اطراف و شواهد قضیه مطالعه میکنم ایشان ملعبه یک آبادی شده اند که آن آبادی مسلم از طرف دستگاه تحریبی انگلستان موظفند که ایران را بطرف فنا ببرند و دارند میبرند من وقتی این رویه را دیدم یواش یواش قسمتهای مختلفی پیش آمد کرد گفتم که شاید اشتباه کرده باشم تا در ضمن عمل به جریان اختیارات رسیدیم من فکر کردم که دکتر باین حالت مزاج علیلی که دارد که از روی تخت خوابش بلند نمیشود اختیار قانون گذاری را بگیرد، دخالت کردن قوه مجریه در کار قوه مقننه این هیچ مصلحت مملکت نیست یک سابقه بدی می شود برای بعدها رضا خان اینکارها را نکرد و او آمد اختیاری برای کمیسیونهای گرفت موقتا و بعد هم آن قوانین در مجلس تعیین تکلیف شد و برای شخص هم اختیاری داده نشد اختیار تشکیل کمیسیونهای با داده شد و آنهم غلط بود من آنروز اظهارات خود را کردم من دیدم که سنگر نفت یک سنگر عجیبی شده ناندانی برای جماعتی شده است در باب خیال خویش موجی دارد خس پندارد که این کشاکش از اوست جریان ایران، نفت ایران سیاست ایران اوضاع بین المللی یک خط سیری دارد ما اینجا بریش وسیل خودمان بسته ایم که ما در موضوع نفت چه کرده ایم این حرفها را قبول میکنیم؟ من به هم خودم خبر از انجام وظیفه کاری نکرده ام یک فردی هستم که هیچ کاری از من ساخته نبود و حالا هم ساخته نیست یک فردی هستم که این اندازه بخودم تحمیل میکنم که مصالح امور را فدای مصالح شخصی خودم نکنم من وقتی وکالت را قبول کردم باید بوظیفه تنایندگی خودم عمل کنم اگر میخواستم مصالح عمومی را زیر پا بگذارم برای این که چهار تا بر طرفداران خودم بیفزایم که دوره بعد هم انتخاب شوم میتوانستم ولی ملائمتی هستم باید بوظیفه نمایندگی خودم عمل کنم اینجا موضوع اختلاف پیدا شد بین بنده و ایشان در بعضی انتخاباتشان هم رفتم خدمت ایشان ما شاعله ایشان حسن انتخاب داشتند میگفتند می گشتند اشخاصی را که هیچ تناسبی برای این مقامات نداشتند انتخاب میکردند، من هیچ وقت با ایشان نگفتم که این شخصی که من

صحبتش را می کنم خیلی خوب است شما شغلی باو بدهید، هیچ من کاری نداشتم و هیچوقت هم همچو حرفی نزده ام چرا یک تقاضائی از ایشان کردم در فاصله بین مجلس شانزدهم و هفدهم که از امریکا ایشان مراجعت کردند و من خدمتشان رسیدم و گفتم که من پنج دوره و کبل بودم که بیشترش را هم در اقلیت بودم و جریان کار انتخاباتی را که شما شروع کردید من نمی بینم یک حزب و دسته منظمی که روش اصلاحی داشته باشد و یک تحولی در این مملکت ایجاد بکند در مجلس پیدا بکنیم و من باز بایستی بروم در صنف اقلیت و انتقاد کردن، در اینکه اقلیت باشم و انتقاد کنم و حشمتی ندارم ولی بنیه ام خوب نیست و مزاجم مقتضی نیست در این مملکت پنج دوره نمایندگی مجلس داشته ام برای من کفایت میکند که من یک شغلی داشته باشم کارمند دولت که هستم در دیوان کشور دیگر حوصله و حواس مطالعه دوسه های مفصل و اظهار نظر کردن برای من مقتضی نیست یکی از مشاغلی که در فاصله بین دوره ۱۵ و ۱۶ بعنوان تبعیه بمن رجوع کرده بودند بمن داده بشود که بروم خارج از مملکت این تقاضا را از ایشان کرده بودم که ایشان نپذیرفتند، این تقاضای شخص من بود که از کار بروم کنار، این مختصر فهرستی بود از اینکه چرا سلب اعتماد از دکتر مصدق نمودم و اگر خواسته باشم در اطراف این زیاد صحبت بکنم وقت مجلس زیاد توضیح میشود اینها را باید رفت و تاریخ نوشت، وقت مجلس را برای کارهای مهمتری ذخیره کرد، در این مجلس وقتی آمدیم نمیدانم چه علتی ۵۰ کرسی انتخاباتش را معوق گذاشتند و این هفتاد هشتاد کرسی که نمایندگان آن انتخاب شده است اگر حساب کنیم بیشتر از ۱۶ دوره که وکیل انتخاب شده است تلفات وارد شده و کپل انتخاب شده مردم بهم ریختند زندو گشتند تا یک کسی انتخاب شده و یک مجلس نیم بندی تشکیل شد، مجلسی که با مهاجرت ۱۰ و ۱۲ نفر از اثر و قدرت می افتد حالا اگر نظر سوء ظنی داشته باشم ممکن است بگوئیم عمداً این کار شده که هر وقت دولت مجلس را مخجل اجرای مقاصد خودش تشخیص داد ۱۰-۱۲ نفر رفقائی که در مجلس دارد باینها یک شغل و مقام و مأموریتی میدهد مجلس منحل می شود، کار با استیضاح نمیرسد، کار بودجه کشور نمیرسد ممکن است اگر سوءظن داشته باشم بگوئیم فلسفه اش اینست بوده اگر سوء ظنی نداشته باشم هم باید بگوئیم دولت خیلی ضعیف و ناتوان است نتوانسته است انتخابات را بجزیران بیندازد دولتی که در تهران هست هر روز مردم دارند توی سرهم میزنند و سرهم را میشکنند در دهات و قصبیات که دولت قدرتی ندارد و یا نمی خواهد قدرتی اعمال بشود، چرا این قدرت برای کوبیدن اشخاصی که با آنها

یک نظرهای خصوصی هست خیلی خوب اعمال میشود دوسه های جزائی در هیچ جای دنیا در مرحله تحقیق علنی نیست خوب آقای امامی اهری در واد گستری بودند، خیلی از رفقا هستند که از قضاتند و از علمای حقوق، پرونده های جزائی در مراحل اولیه در مراحل تحقیقاتی، مسائل جزائی در مرحله تحقیقات که هنوز به نتیجه مثبت یا منفی نرسیده هیچ جای دنیا معمول نیست که اینها را توی روزنامه ها منتشر کنند...
نایب رئیس - وقت جناب عالی آقای حائری زاده تمام شده است
حائری زاده - من مطلب خیلی دارم چرا مهاجرت کردیم، چرا آمدیم اینها خیلی مطالب است (مهندس حسینی - در تاریخ باید نوشته شود) اینها را میگفتم در جلسات بعد از وقت استفاده کرده به مرض مجلس میرسانم...
نایب رئیس - آقای پور سرتیب
پور سرتیب - آقای دکتر بقائی از نوبت بنده استفاده کرده و صحبت خواهند کرد...
نایب رئیس - آقای دکتر بقائی
دکتر بقائی - من خیلی متشکرم از آقایان نمایندگان محترم مجلس که بالاخره موافقت فرمودند باینکه جلسه تشکیل بشود و بنده هم لااقل یک قسمت از عرایض خودم را با سمع ملت ایران برسانم و از مقام ریاست معظم هم تقاضا میکنم دستور بفرمایند که نماینده دولت در همین جلسه حاضر بشود و بعد از خاتمه عرایض بنده لایحه سلب مصونیت بنده را رسماً به مجلس تقدیم بکنند که زودتر بجزیران قانونی بیفتد، مطالبی که بنده میخواهم امروز بعرض آقایان نمایندگان محترم برسانم رویه مرفته در دو قسمت است یک قسمت جنبه خصوصی تری دارد برای بنده و یک قسمت جنبه عمومی تر، و باین جهت موضوع عمومی تر را بدو عرض می کنم و برای توضیح آن هم مجبور هستم یک بدیهیات پیش پا افتاده ای را تکرار کنم باین جهت از حوصله و لطفی که آقایان در استماع عرایض بنده ابراز خواهند فرمود قبلاً تشکر میکنم، بعضی مطالب هست که آنقدر بدیهی و پیش پا افتاده است که که انسان معمولاً آنها را فراموش می کند با وجود اینکه خودش هم معمولاً با آنها عمل میکند بکنی از این مطالب موضوع قانون انتخابات است، همه آقایان محترمی که در اینجا تشریف دارند طبق یک قانون قدیمی که باس قانون انتخابات موسوم است انتخاب شده اند و به مجلس آمده اند، آقایان البته بخاطر دارند یک انجمن نظارتی طبق یک قانون تشکیل میشود، اینها یک تشریفاتی را باید انجام بدهند بعد از این که آن تشریفات را انجام دادند در شهر یا در با هر جا شروع باشد رأی میکنند بعد از این

که این آراء خوانده شد معلوم می شود
 چه اشخاصی رای بیشتر داشتند و چه اشخاصی
 رای کمتر داشتند و باز طبق همین قانون
 انتخابات وقتی که معلوم شد یک فردی دارای
 آراء بیشتری بوده، انجمن نظار میبویسد
 فرمانداری محل که متلاجناب آقای امامی
 اهری با فلانقدر رای حائز اکثریت شدند
 فرمانداری محل هم این موضوع را مینویسد
 بوزارت کشور، وزارت کشور اگر جناب
 آقای امامی اهری در تهران باشند بوسیله
 نامه و اگر در یکی از شهرهای دیگر باشند
 بوسیله تلگراف از ایشان استعلام میکند،
 میبیرسد که طبق اطلاع واصله شما حائز
 اکثریت شدید آیا قبول نمایندگی مردم
 این شهر را میفرمائید یا خیر؟ وقتی که
 ایشان نوشتند که بنده افتخار دارم که قبول
 نمایندگی مردم را بکنم این را میگویند
 ایشان سمت نمایندگی را قبول کردند، یک
 عمل دیگری هم انجمن نظارت انجام میدهد
 و آن اینست که یک ورقه چاپی هست که
 خدمت همه آقایان رسیده امیدوارم که
 همیشه هر دوره نصیبتان بشود (پورسرتیب-
 خیلی هاهم نداشته اند) آنهاست که نداشته اند
 هیچ، بهر صورت باین ورقه میگویند
 اعتبارنامه، توی این ورقه هم نوشته شده
 جناب آقای دکتر عبدالله معظمی گرزنده مرحوم
 معظم السلطان گلیا بگانی از کلیابکان با فلان
 قدر رای انتخاب شدند و حائز اکثریت شدند
 و سمت نمایندگی مجلس انتخاب شدند پای این
 ورقه را هم اعضای انجمن نظارت و فرماندار
 شهر امضا میکنند مینویسند بدست آن شخص این
 عمل را میگویند قبول اعتبارنامه بعد آن کسی که
 وکیل شد اگر قبول نمایندگی کرد میباید
 به مجلس آن ورقه قبول اعتبارنامه را میبرد
 خدمت آقای مهدی، ایشان آن ورقه را
 میگیرند و یک رونوشت مصدق چاپی بهش
 میدهند که خود این عمل دلیل قبول
 نمایندگی است و بعد آن ورقه را همانطور
 که مرسوم است با اضافه پرونده میفرستند
 یکی از شعبات همانطور که میفرمایند تقسیم
 میشود بین شبات آنجا رسیدگی میکنند
 بوضع انتخابات میبینند صحیح بوده یا نه
 حالا هر کاری میکنند کاری نداریم موضوع
 داخلی است بعد شعبه یک گزارش میدهد
 که فلان آقا از فلان محل بنمایندگی انتخاب
 شد اعتبارنامه پرونده اش در شعبه رسیدگی
 شد چون صحیح بنظر رسید باینجهت خبرش
 را بساحت مقدس مجلس شورای ملی عرض
 میکنیم بعد میدانید که این خبر خوانده میشود
 بوسیله مغز و رئیس میبرسند مخالفی هست
 اگر کسی مخالفت نکرد میگوید تصویب شد
 و اگر کسی مخالفت کرد میرود بیک کمیسیون
 با اسم کمیسیون تحقیق در آنجا مجدداً باین
 پرونده رسیدگی میشود آن کسی که مخالفت
 کرده میباید دلایل مخالفت خودش را بیان
 میکند بعد او میرود بیرون صاحب اعتبارنامه
 میباید البته کمیسیون تحقیق هم همانطور

که یکمرتبه عرض کردم مرتکب یک عمل
 نقتین میشود میگوید آقای ناظرزاده پشت
 سر شما این حرفها را زده شما چه میگویند؟
 بعد آقای ناظرزاده را میخوانند میگویند
 فلانی این حرفها را زده خلاصه رسیدگی
 میکنند بعد تشخیص میدهند که این اعتبار
 نامه صحیح بوده و این مخالفتی که شده
 صحیح نبوده باین ترتیب خبرش را
 می آورند بمجلس باز همینطور خبر چاپ میشود
 مثل گزارشهای کمیسیونها و می آید
 بمجلس در مجلس هم مثل هر چیزی که میباید
 بمجلس بمورد رای گذاشته میشود یا مجلس
 این را تصویب میکند یا رد و باین
 ترتیب اگر تصویب شد نمایندگی مجلس هست
 و اگر رد شد نیست در این قانون انتخابات
 یک پیش بینی های دیگری هم کرده این پیش-
 بینی ها اینست که اگر یک کسی آمد انتخاب
 شد وخواست وکیل باشد قبول نکرد یا
 گرفتار است یا مریض است یا معترض است
 بهر دلیل اعتبار نامه نگرفت این شخص با
 اینکه وقتیکه وزارت کشور از او استعلام کرد
 گفت تغییر آقا من متشکرم از مرحمتی که
 اهالی این شهر بمن کردند و این افتخار بمن
 دادند ولی قبول نمیکنم یا اگر چنین چیزی
 پیش نیامد و اگر این شخص بعد از اینکه
 زحماتی کشیده یا تلاشی کرده برای
 اینکه وکیل شود پیش از اینکه اعتبارنامه اش
 را ببرد وکیل شود و پیش از اینکه وزارت
 کشور از او استعلام قبولی بکند اگر چنین
 شخصی لیک حق را اجابت کرد و از دنیا
 رفت البته تا کام از دنیا رفته در اینصورت
 قانون یک پیش بینی هائی کرده آن پیش بینی
 اینست که نفر بعد که دارای ارائی هست وکیل
 میشود بمجلس میباید یعنی اعتبارنامه را انجمن
 نظار با اسم آن نفر بعدی صادر میکنند و میگویند
 بوزکیل هستی این ماده ۵۱ قانون انتخابات
 میگوید مادام که منتخبین اعتبارنامه نمایندگی
 نگرفته اند هر گاه یکی از ایشان فوت شود
 یعنی از دنیا برود و یا قبول نمایندگی ننماید
 یعنی در جواب وزارت کشور بنویسد من معذرت
 میخواهم نمیخواهم وکیل باشم در اینصورت
 از بقیه منتخبین کسیکه نسبتاً حائز اکثریت
 است یعنی آن نفر بعدی بنمایندگی معین
 میشود ولی پس از دریافت اعتبارنامه بنیاید
 مطابق ماده ۵۲ همین قانون عمل شود یعنی
 اگر کسی اعتبارنامه اش را گرفت چه ببرد
 چه استعفا بدهد باید طبق ماده ۵۲ قانون
 عمل شود این را میخوانم تفسیر نمی کنم
 عین ماده را بعرض آقایان میرسانم که
 میگوید هر گاه یکی از اعضای مجلس
 شورای ملی استعفا دهد یا فوت شود اگر
 بیش از سه ماه باخر در دوره تقنینیه باقی باشد
 اهل محل بجای او انتخاب خواهند کرد این
 صریح ماده است که اگر کسی اعتبارنامه اش
 را گرفت یا اعلام قبول نمایندگی را کرد
 اگر این شخص استعفا داد مجدداً اهل محل
 بجای آن انتخاب میکنند

یعنی پس از اینکه اعتبارنامه گرفت یا قبول
 نمایندگی هر چه بر سرش بیاید دیگر نفر بعدی
 نمیتواند انتخاب بشود و آن کسی که حائز
 اکثریت بوده راه بمجلس ندارد این صریح
 قانون انتخابات است (میراشرفی - مثل مرحوم
 دهقان وقتی مرد تجدید کردند) و خیلی
 نظایر دیگری دارد تا اینجا گمان می کنم
 که هیچ حرفی نباشد راجع بقانون انتخابات
 باید عرض کنم در انتخابات دوره هفدهم بطوری
 که آقایان نمایندگان محترم اطلاع دارند بنده
 افتخار نمایندگی دوم محل را پیدا کردم و بدلا یلی
 که توضیحش وقت راز یاد می گیرد و سابقاً
 هم شاید گفته شده و نوشته شده است از ذکر
 آن خوداری می کنم بدلا یلی بنده هر دو محل
 را قبول کردم یعنی از هر دو محل اعتبارنامه
 گرفته ام و راجع به هر دو محل وزارت کشور
 از من استعلام کرد من صبر کردم که استعلام
 وزارت کشور نسبت به هر دو رسید و در یک
 روز و یک ساعت و یک دقیقه جواب دادم که افتخار
 نمایندگی هر دو محل را قبول می کنم (رفیع-
 این نمی شود) (امامی اهری - نمی شود این
 صحیح نیست) اجازه میفرمائید عرض کنم هیچ
 ماده قانونی منع چنین چیزی را نکرده عرض
 کنم هر دو محل را بنده قبول کردم هر دو اعتبار
 نامه را آوردم بمجلس دادم و رونوشت رسمی
 را برای هر دو محل گرفتم اعتبارنامه هر یک
 از این دو محل یکی از شعب مراجعه شد در
 شعبه صحت نمایندگی بنده از ۲ محل تصویب
 شد خبر هر دو بمجلس آمد با هر دو مخالفت
 کردند هر دو اعتبارنامه با اضافه هر دو پرونده
 بکمیسیون تحقیق رفت کمیسیون تحقیق
 رسیدگی کرد (دکتر معظمی - کسی
 مخالفت نکرد باشا) چرا جناب آقای
 میراشرفی و جناب آقای عامری مخالفت کردند
 کمیسیون تحقیق هر دو نمایندگی بنده را
 برسمت شناخت در موقعی که بنده در تهران
 نبودم و بلاهه رفته بودم این موضوع مطرح
 شد نمایندگی بنده از تهران بتصویب رسید
 راجع بکرمان هم این جا صحبت های
 زیاد شده

نفرمائید
نایب رئیس - چقدر وقت
 آقای دکتر بقائی؟
دکتر بقائی - تقلاً ۳ ربع
نایب رئیس - آقایان
 ربع ساعت تقاضای آقای دکتر
 موافقت که ایشان بیان ایشان را دادند
 قیام میفرمائید (ا کثر برخاستند)
 میفرمائید
دکتر بقائی - عرض کنم مراد خودی
 بنده در لاهه بودم این خبرها از کجا آمده برای
 تحقیق بمجلس عرضه شد باعتبار نامه
 طهران رای گرفته شد و تصویب شد
 راجع بکرمان تولید یک اشکالی شد
 برای اینکه هیچ ماده قانونی بنده را بمنع
 بنده هم وکالت هر دو محل را بمنع
 که عرض کردم پذیرفته بودم برای
 رفع اشکال شود، بعد از تذکرات
 در مجلس که یک جلسه ماند برای
 آنهم لازم میدانم وارد جزئیاتش
 که ممکن است یک خاطره های بدی
 آقایان بیایند بمجلس راجع باین
 از کرمان اظهار نظر نکرد یعنی این موضوع
 را گذاشت مسکوت بماند زیرا خبر کمیسیون
 تحقیق هم که برای دفعه دوم البته
 شد راجع باین انتخاب بنده از کرمان
 شده است
 چون اعتبارنامه نمایندگی ایشان
 طهران تصویب شده این گزارش مسکوت
 مانده
 این موضوع توی پرونده هست
 علت اینکه بنده از کرمان نمی توانستم
 بدهم لازم است عرض کنم بر خلاف آن
 اولم در موقع انتخابات دوره شانزدهم
 کرمان بکدهسته بنده هائی شده بود
 اختلافاتی داشت ایجاد میشد که
 جلوگیری از ایجاد تشنج و اختلافات
 سفیدهای محل که لطف و مرحمتی
 بپاداشند از جناب آقای مهندس رضوی
 و بنده دعوت کردند که برویم کرمان
 آنجا انتخاب بشویم البته بطوری که آقایان
 استحضار دارند انتخاب بنده از طهران
 معزز بود و هیچ احتیاجی نداشتم که بروم
 در کرمان و از آنجا هم وکیل بشوم ولی
 چون در نتیجه مطالعه ای که کردم دیدم
 اگر بنده بروم بکرمان برای انتخاب
 دوم ممکن است یک تشنجات فوق العاده ای
 رخ دهد و بالاخره شاید منجر بدم توفیق
 مردم کرمان در انتخابات بشود باین جهت
 بنده بپذیرفتم رفتن کرمان و بپردم هم
 که دعوت شمارا پذیرفتم و افتخار هم دارم
 از آنجا انتخاب بشوم و آن کسی که میخواهند
 آب را گل آلود بکنند و ماهی بکشد
 شروع کردند در شهر شهرت دادند که
 دکتر بقائی از طهران انتخاب می شود و
 کرمان استعفا میدهد و بطور غافلگیر

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی وقت
 جناب عالی تمام شده
دکتر بقائی - استدعای کنم آقایان
 اجازه بدهند صحبت کنم
دکتر سنجابی - اجازه میفرمائید؟
نایب رئیس - میفرمائید
دکتر سنجابی - در فرا کسیون
 تصمیم اتخاذ شد که نظر بموقعیت مخصوصی
 که برای همکاری محترم ما آقای دکتر بقائی
 هست با تجدید وقتی که ایشان تقاضا میکنند از
 مجلس فرا کسیون رای بدهد
فادعلی کریمی - برای این که
 مجلس رای می داد
قنات آبادی - اگر فرا کسیون هم
 رای نمی داد مجلس رای میداد
دکتر بقائی - خیلی متشکرم این
 صحبت را هم خواهش میکنم حضرتعالی

را که دلشان میخواهد بعنوان نفر
 بقدر وقت بپردازند بمجلس البته يك عده ای هم که
 میخواهند وکیل بشوند داوطلب
 ملا ۳ ربع که نفر سوم بشوند البته کرمان دو
 آقابلی که بیشتر ندارد اما چون بفکر اینکه
 د کتر بکرمان استعفا خواهم داد يك عده زیادی
 نان را اول کردند بهجوم آوردن و انتریک
 شدند برای اینکه نفر سوم بشوند مادیدیم
 شان اشکال نفر سوم در صورت نرفتن
 ایجاد شده بود همان اشکال ایجاد شده
 کنم بر خود خوردی در گرفته يك وضع عجیبی
 ما از کز آمده برای نفر سوم روی این اصل
 متباینه در مسجد جامع کرمان يك دعوتی
 صوب هم از مشهران خودم و اتفاقاً دیم
 کالی شد پس آن جلسه را در روزنامه اتحاد ملی
 در اینم نوشتیم بابت توجیهی رفتم آنجا صحبت کردم
 بهمان مردم گفتم که آقایان اگر ما آمدیم و
 برای کردیم برای این نبود که شما را
 کرات بزنیم و غافلگیر کنیم و
 ای طرف سومی بیاید انتخاب بشود اینجا
 نش نمیگردد میکنم که بهیچوجه از وکالت
 بمان استعفا ندهم و هیچوقت هم پای نفر
 انتخاب می بیان نباید البته پیش از اینکه بنده
 این موضع کنم جناب آقای مهندس رضوی
 کسب کردند باین شکلی که بنده عرض
 به مگر در حضور چهار هزار نفر از اهالی
 تهران گفتم؟ (مهندس رضوی- صحیح است)
 ده هم البته همین موضوع را تمهید کردم
 اجرا کنم یکی اینکه بنده د کتر بقائی
 بهیچ عنوان از وکالت کرمان
 تازه گیری نکنم استعفا ندهم و یکی
 آنکه بهیچ عنوان و بهیچ کلاه شرعی
 از کرمان بمجلس نیاید اینرا صریح
 گفتم برای اینکه خانم بدم باین تشنجات
 این صحبت بود البته وقتی بنده از لاهه
 برگشتم دیدم موضوع تهران تصویب شده
 است و موضوع کرمان را مسکوت گذاشتند
 چون منظور حاصل بود ما هم قضیه را مسکوت
 گذاشتیم عرض کنم یازده ماه گذشت این
 موضوع همچنان مسکوت بود هیچ کسی
 هم دنبالش نبود بعد از یازده ماه بکمر تپه
 دیدیم که يك روز عصری توی روزنامه ها
 نوشتند که شعبه آمده د کتر بقائی را استعفا
 شناخته و نفر سوم را تصویب نموده که او
 وکیل کرمان باشد اولاً اینجا مجبورم يك
 حاشیه ای را عرض کنم چون این جریان بی
 اندازه برای بنده دردناک و تآثر آور است
 وحتى میتوانم بگویم که تاثر من از این جریان
 که پیش آمد کرده بیش از تاثر است از
 آن جریانی که بعداً عرض خواهم کرد
 چون شخص آقای روحی را که متأسفانه
 پایش را کشیدند بیجا بکمر درش افشاندند
 یکی از کارمندان با سابقه و درستکار دولت
 است یکی از دوستان صمیمی پدر بنده بوده
 است و بنده خودم هم باشان ارادت دارم
 ولی متأسفانه جریان طوری شده است که

جز این راهی که رفتم نمیتوانم راهی دیگر بروم
 اینست که ملاحظه فرموده اید آدم وقتی در مدرسه
 است وقتی تاریخ میخواند این تاریخ را يك
 چیز خارج و دور وجود از خودش میداند يك
 عملی هست در حافظه آدم و باید زحمت
 کشید آنرا حفظ کرد چند سالی میگذرد
 بهروز آدم چشمش را باز میکند میبیند
 در متن تاریخ دارد زند کسی میکند آن
 تاریخی که چندین سال پیش يك چیز عجیبی
 بنظرش آمده بود مثل بعضی از رماها یا
 قصه ها یا تراژدیها است که انسان وقتی آنها
 را میخواند یا زوی صحنه میبیند يك چیز
 بچه گانه بنظرش میرسد ولی بعضی وقتها
 انسان میبیند خودش در متن يك تراژدی
 واقع شده با در متن يك نمایشنامه هم انگیز
 والان یکی از این موارد است برای
 اینکه همان طور که عرض کردم نسبت باینکه
 پای آقای روحی در این جریان کشیده
 شده است بنده بی اندازه متاثر هستم و ما
 هیچ راهی هم نداریم علت اینکه راهی نداریم
 اینست که بنده صراحتاً بمردم يك شهری
 که شهر خودم هست و هم ولایتهای خودم
 هستند در خانه خدا يك تمهیدی سپردم که
 بهر ترتیبی شده بنده نمیتوانم آن تمهید را
 ملغی شده بدانم و یا مسکوت بکنم همان
 طاووریکه عرض کردم در شرایطی که ما با
 مردم کردیم گفتیم در تحت هیچ بهانه و هیچ
 کلاه شرعی نخواهیم گذاشت این کار بشود
 یعنی استعفا بنده و انتخاب نفر سوم البته
 بنده نمیخواستم بگویم که گرفتار بودم کار
 های دیگر و کارهای تهران هم بود اینرا
 درست کردند اینرا نمیتوانستم بگویم و يك
 تأسف دیگری هم بنده از این جریان دارم
 و آن اینست که يك عده از آقایان نمایندگان
 شریف مجلس بدون اینکه بدانند چکار
 میکنند بدون اینکه اندک نقشه حقیقی چیست
 روی يك استدلالهای بوج ظاهری فریب
 این جریان را خوردند و آن آقایان اعضای
 محترم شعبه هستند که من خیلی تأسف
 از این دارم که مجبورم اینجا بهشان بگویم
 که فریب خورده اند چون این استدلالاتی
 که کرده اند برای آوردن آقای روحی هم
 بوج بوده شما تحقیق کنید ببینید چرا این
 استدلالها را در یکماه پیش نکردند دو
 ماه پیش نکردند چهار ماه پیش نکردند
 ده ماه پیش نکردند یازده ماه پیش نکردند
 چه طور شد که این استدلال فقط در این موقع
 بایستی بشود که آقایان راقانع کنند باینکه
 آقای روحی بیایند توی مجلس حالا من
 علت را بگویم که چه طور شد علتش این بود
 که د کتر بقائی بیایست از مجلس طرد
 شود و این علتش مال حالا نبود البته اگر
 خدا عتابی بفرماید و وضعیتی پیش بیاید که در
 يك محکمه ای بتوانم آنچه که میخواهم
 بگویم آنوقت بملت ایران نشان میدهم
 که این توطئه ها از کی شروع شده و چرا
 شروع شده ولی الان جای گفتنش نیست و

مخصوصاً بنده خجالت میکشتم و از حوصله
 آقایان دارم سوء استفاده میکنم بهر حال
 این توطئه مال امروز و دیروز مال هشت
 اردیبهشت نبود این مال خیلی جلو تر بود
 آنکسانیکه این نقشه را میکشیدند بنده را
 خوب میشناسند منم آنها را خوب میشناسم
 و آنها هم مرا خوب میشناسند میدانند که
 رویه ام در زندگی چه جور است من از دوره
 یازده وارد سیاست این مملکت هستم گمان
 نمیکنم جز بکمر تپه هیچکس بتواند بمن
 بگوید توفلان تمهید را کردی و از زیرش در
 رفتی و یا کلاه شرعی گذاشتی این رویه من
 است فقط یکدفعه زیر تمهید خودم زدم آن
 هم در پشت این تریبون بود آنهم برای
 استیفای حقوق ملت ایران در دوره یازدهم
 در موقع استیضاح بود يك همچو سابقه ای
 از من هست آنکسانیکه این نقشه را برای
 من کشیدند میدانند همینقدر که پای و کالت
 مردم کرمان بیاید آمد د کتر بقائی از وکالت
 تهران استعفا خواهد داد اینرا بطور مسلم
 میدانند که من این عکس العمل را نشان
 خواهم داد و شاید بسیاری از همکاران
 محترم که اینجا تشریف دارند وعده بیشتری
 از دوستان بنده بمن مراجعه کردند و گفتند
 که این چه حماقتی است که تو میکنی حالا
 کور پدر انتخابات کرمان تو که
 وکیل تهران هستی مسلم است در
 يك چنین موقعی که در مبارزه افتاده ای
 چرا از وکالت تهران استعفا میدهی گفتم بلی
 استعفا میدهم که قول خودم را حفظ کنم برای
 اینکه اگر مجلس خواست من را بدون
 سلب مصونیت طرد کند راه داشته باشد
 چون برای سلب مصونیت باید این پرونده
 درست میشد این پرونده مبتدلی که ساخته
 شده باید رسیدگی بشود و این چیز باین
 آسانی نیست ولی آوردن نفر سوم بایش بینی
 اینکه د کتر بقائی مسلماً از وکالت تهران
 استعفا خواهد داد این يك نقشه خیلی ساده
 است ما باینم نفر سوم را درست میکنیم می
 آوریم توی مجلس د کتر بقائی از وکالت
 تهران استعفا میدهد بعد موضوع وکالت
 کرمان میآید روی دنده و کشمکش میدهم
 و اگذار میشود برای مجلس و مجلس هم
 رأی میدهد و د کتر بقائی بدون اینکه سلب
 مصونیت ازش بشود خود بخود از مجلس
 بیرون میآید نقشه اینک شعبه ۵ اردی
 بهشت ماه پادش آمد که يك پرونده انتخابات
 کرمان هست و بکنفریرا که هیچ حق نداشته
 شعبه با نمایندگی داد این بود دلیل اینکه
 شعبه این عمل را کرد حالا البته آقایان
 مختار هستند اگر طبق سنن و سوابق مجلس
 بخوانند رفتار کنند اگر بخوانند قانون
 انتخابات و قانون اساسی را زیر پای بگذارند
 فقط يك کار کنند بنده عرض کردم اینجا و
 خواهش هم میکنم بعد از صحبت بنده این
 طور که تقاضا کردم و خودم رسماً تقاضای
 کنم از مقام نمایندگی تهران استعفا داده ام

و از مقام ریاست هم استعفا میکنم که استعفا
 نامه بنده را بخوانند و آنوقت بوظیفه مجلسی
 خودشان عمل بکنند شما يك مطلبی را به
 بینید و توجه کنید که شعبه پنجم یکدفعه چه
 طور شده شب خوابیده بودند همه بکمر تپه بهشان
 الهام شد من از آقایان شعبه پنجم سؤال
 میکنم الهام شده که یا شویم بزویم شعبه را
 تشکیل بدیم شعبه که يك چیزی نیست مثل
 کمیسیون بودجه که هر روز تشکیل شود
 کار دیگری هم که نبود برای اینکاری
 بایستی باین عده ای صحبت بشود و میبایستی
 مخصوصاً باین عده سفارش شود که این
 موضوع محرمانه است آخر شمارا بخدا آقایان
 بعضی ده دوره دراز بوده بعضیها ه دوره
 بعضیها ۲ دوره بعضیها تازه آمده اید در
 این مجلس برای شما معقول هست که در
 یکی از شعبات مجلس يك موضوعی مطرح
 بشود مربوط بیکی از نمایندگان حاضر آن
 وقت اواخر نشود این معقول هست آنهم
 يك همچو موضوعی که در زمان خودش آن
 قدر کمکش کرده آنقدر سروصدا کرده
 آنهمه صحبت شده است آنوقت یکمده ای
 از اعضای شعبه پنج توی خانه شان بخوابند
 (البته یکمده شان) و صبح پاشوند بگویند
 شعبه را تشکیل بدیم و پرونده کرمان را برداریم
 و آنرا تصویب میکنیم و بعد هم آقای روحی
 را بمجلس بیاوریم قاچاقی شما این توطئه
 عمل شعبه پنجم را مطالعه کنید بقیه اش را
 میفهمید چیست عرض کردم کمیسیون تحقیق
 يك گزارشی داده است روی گزارشی که سابقاً
 شعبه پنجم داده بوده و نمایندگی بنده را تصدیق
 کرده بود گزارش شماره ۴ شعبه ۵ راجع بانتخاب
 جناب آقای مهندس رضوی است گزارش
 شماره ۵ بتاریخ ۱۷ اردیبهشت ماه پارسال
 است که مینویسد دیروز گزارش شماره ۴
 راجع بانتخابات کرمان و نمایندگی آقای مهندس
 سید احمد رضوی آقای د کتر مظفر بقائی
 کرمانی با کثرت ۱۹۸۴۹ از مجموع ۲۴۲۲۰
 رأی مسخوذه در درجه دوم بنمایندگی
 شهرستان مزبور انتخاب و شعبه پنجم صحت
 نمایندگی ایشان را تأیید و اینك گزارش
 آنرا تقدیم مجلس شورای ملی مینماید وقتی
 شعبه ۵ صحت نمایندگی بنده را تأیید کرده
 یعنی من اعتبارنامه دارم و یعنی من نمایندگی
 کرمان را قبول کرده ام حالا با چه حقی میشود
 این ماده را زیر پا گذاشت ماده ۵۱ می -
 گوید در صورتیکه اعتبارنامه نکرده باشد
 یا قبول نمایندگی نکرده باشد نفر بعد انتخاب
 میشود والا طبق ماده ۵۲ عمل میشود این
 صریح قانون است طبق ماده ۵۲ اگر هر
 اتفاقی افتاد که بآن علت آن شخص نتوانست
 انجام وظیفه نمایندگی بکند باید این
 انتخابات تجدید بشود حالا بنده يك مطلب
 دیگری عرض میکنم بنده و تهران استعفا داده ام
 بنده مثل يك نفر وکیل هستم که در این
 یکسال نیامده ام مجلس فرتك بوده ام

رفته بودم پولهایم را آنجا خرج کنم حالا آدمم و میگویم شنبه صحت نمایندگی من را تصدیق کرده با نمایندگی من مخالفت شده بکمیسیون تحقیق ارجاع شده کمیسیون رسید کسی نموده صحت نمایندگی من را تصدیق کرده اینهم خبر کمیسیون پرونده انتخابات که بمخالفت آقایان میر اشرافی و عامری به کمیسیون تحقیق ارجاع شده بود مورد رسیدگی قرار گرفت جریان کار بشرح ذیل عرض مجلس شورای ملی میرسد «جریان کلی انتخابات کرمان بشرح گزارش شماره ۵ از شعبه ۵ باستحضار آقایان نمایندگان رسیده است اینجائو ضیعات داده راجع بشکایت و جواب بالاخره مینویسد سپس آقای د کتر بقائی منتخب مورد اعتراض در کمیسیون حضور یافتند و پس از استحضار از اعتراضات آقای میر اشرافی گفتند موادی که مورد استناد معترض برای عدم انتخاب یک نفر از دو محل بوده مؤید اعتراض ایشان نیست بلکه این مواد نمایندگی اینجانب را از دو محل تأیید می نماید و در مورد جریان کلی انتخابات کرمان هم مجلس صحت جریان انتخابات کرمان را تصویب نموده کمیسیون با توجه با اعتراضات معترض و مدافعات منتخب و توجه باستناد پرونده گزارش شماره ۵ از شعبه ۵ رأی بنمایندگی آقای د کتر بقائی از کرمان را تأیید و اتخاذ تصمیم رادر مورد انتخاب ایشان از دو محل بمجلس شورای ملی واگذار میکنند این یک خبری است از یک کمیسیون مجلس که تمام مراحل خودش را طی کرده است آمده بمجلس خبر که بمجلس میاید ۱۶ دوره سابقه دارد که این خبر یا دهن می شود می رود آن یک مطلب دیگر است ولی چیزیکه آمد باید رویش رأی گرفته شود بنده یک و کیلی هستم نماینده کرمان یک نماینده ای بودم که یکسال نبودم زفته بودم لیره هایم را در انگلستان خرج کنم و یا دلار هایم را در امریکا خرج کنم حالامی گویم این خبر شنبه است و اما مجلس چه می گوید شنبه چه عکار عجیبی کرده نظرش را داده آمده در مجلس و تمام شده است و رفته کی بشعبه ارجاع کرد که تازه موضوع کرمان را رسیدگی نموده مگر این شعبه الی الابد باید کارهای کرمان را رسیدگی کند مگر کارهایی که بشعبه مراجعه میشود روی یک سنت معین قدیمی بنوبت تقسیم نمیشود خود بین شعبات بطور شده شعبه پنجم بموضوع را که اظهار نظر کرده و تمام شده دومرته پرونده را کشیده بیرون بطور شده خودش هم بدایت بود و هم استنباف و بطور شده بعد از اینکه شعبه ۵ خودش رأی داده است بصحت نمایندگی من از کرمان یک نفر دیگر را و کیل شناخته است مگر طبق این قانون انتخابات قبل از قبول نمایندگی مرده بودم یا نمایندگی کرمان را قبول نکرده

بودم که شعبه نفر بعد را برسمیت شناخته البته اگر این يك موضوع کوچک و عادی بود هیچ مهم نبود اگر ۸ ماه پیش این قضیه اتفاق افتاده بود شاید می توانستیم با بعضی از اهالی محل صحبت کنیم يك طواری بشود يك توافق حاصل بشود ولی بنده در این ایام مبارزه نشان داده ام که هیچوقت از جلو خطر در نمیروم و همیشه میایم جلو آن موقعیکه باید سلب مصونیت بنده بشود در مجلس ودوات پرونده ساز میترسد افضاحش در مجلس آشکار شود چون اگر پرونده سازی نمیکرد احتیاجی بشکنجی نداشتند گمان نمیکند یک نفر با وجدان توی این مجلس باشد که معتقد باشد آنها را شکنجی نکرده اند (میر اشرافی - صحیح است) سر تیب مزنی مرد دیروز مرد اطلاع دادند (خواهش میکنم اگر یک نفر با وجدان توی این مجلس است که معتقد است دوات د کتر مصدق مرتکب پست ترین و رذالت ترین شکنجیها در زندان نشده است بگوید یادداشت کنید سکوت کامل یک نفر منکر نیست همه شان اعتراف دارند (حاج سید جوادی - خبر نداریم اعتراف نیست) (نریمان - ما خبر نداریم) خبر ندارید ولی میدانید خوب آقای نریمان میدانند چرا جلوی اعلام جرم من را گرفته اند در يك مملکت مشروطه چطور جلوی تأمین دلیل بازپرس را میگیرند کجا دیده اید يك چنین چیزی را خودتان را گول زنید بگویند که نمی دانم ولی فکر کنید که می دانید اگر شکنجی نکرده بودند بازپرس قانونی چه مانعی داشت برود آنجا کدام نقطه ای از دنیا هست در کدام قانون حقوق بدجائی را استثنا کرده باشند که بازپرس در این نقطه حق ندارد برود در اطاق خواب شاه در خزانه بانک ملی - در اطاق رئیس جمهور شما يك جای دیگر را نشان بدهید يك ساده از قانون خودمان را نمیخواهید اجرا کنید از جاهای دیگر بگویند که بتوانند جلوی عمل بازپرس را بگیرند این مفتضح است آقایان این عدلیه ای که اسمش را گذاشتید داد گستری اصلاح شده اولین اظهار وجودی که خواست بکنند زدن توی دهنش گفتند بازپرس غلط میکند که بیاید زندان را ببیند (خلخالی - نسبت به تمام تأمین دلیل شده یا فقط نسبت بیکنفر؟) نسبت بیکنفر بقیه را هم شکنجی داده اند که شرم دارم بگویم شکنجی هائیکه در دوره پهلوی نمیدادند حالا میدهند بلی وقتیکه دولت برای ادامه بقای خودش با کمونیستها ائتلاف بکنند باید از شکنجیهای کمونیستی هم استفاده کند بهر حال معذرت میخواهم از موضوع خارج شدم موضوع سر این بود که د کتر بقائی را با يك کار آستان و ساده ای از مجلس ترك میکنند بدون اینکه مجبور باشند تشریفات سلب مصونیت را اجرا کنند این راه بسیار آسان بود چون عکس العمل بنده گمان میکنم احتیاجی بعرض این موضوع

نباشد و یقین هم دارم که آقایان همکاران محترم این عرض بنده را حمل بر خود ستانی نمیکند عکس العمل بنده وقتی که يك تعهد شرافتمندانه جلوی همشیران خود دارم وقتی که يك موضوع نفروم بمیان می آید جز این نمیتواند باشد که فوراً از کالت تهران استعفا بدهم هر خطری میخواهد باشد و من همین کار را هم کردم خیلی از دوستان بمن مراجعه کردند و گفتند آقا این دیوانگی است که تو میکنی موقعیکه میخواهند از تو سلب مصونیت بکنند گفتم باشد برای اینکه مردم بدانند تا آنجائیکه من توانستم برای انجام تعهد خودم پافشاری کردم البته خیلی هم متأسفم اشخاص دیگری هم که ممکن بود یک چنین تعهداتی داشته باشند فراموش کردند خیلی متأسفم ولی اینها گذران است تاریخ از این چیزها زیاد دارد نه دنیا باین دوره ختم میشود نه انتخابات نه چیزهای دیگر دنیا از این چیزها زیاد دیده است ولی بنده همین طور که عرض کردم از نمایندگی تهران استعفا دادم و حالاً بمنوان نماینده تازه رسیده کرمان آمده ام بمجلس اینهم خبر کمیسیون تحقیق که زیرش هم نوشته چون اعتبار نامه نمایندگی ایشان از تهران تصویب شد این گزارش مسکوت ماند و حالاً زیرش باید نوشته شود چون از نمایندگی تهران استعفا داده الزاماً این گزارش باید در مجلس مطرح شود از دو حال خارج نیست یکی اینکه یا آقایان اظهار لطف میفرمایند و رأی میدهند به نمایندگی بنده از کرمان بنده هم تشکر میکنم یا اینکه فکر میکنند این مخصوصه و در دسر و کشمکش ولایحه سلب مصونیت و کمیسیون داد گستری این بد بختی را چرا برای مجلس درست کنیم و اشکی هم بهش رأی نمیدهیم و هم سلب مصونیت بخودی خود ازش شده در این صورت هم بنده باز متشکرم و هم افتخار میکنم که با داشتن دوتا کرسی نمایندگی باین مجلس وارد شدم و باین ترتیب هم از مجلس رفتم برای من هم فرق نمیکند بهتان قول میدهم که هر کدام از آقایان هر جور که رأی بدهید کوچکترین اظهاری بنده جز تشکر نخواهم کرد اما حالاً از تمام اینها گذشته بچه استناد آقایان اعضاء شعبه پنجم آمدند نفر بعدی را و کیل شناختند حالا و کیلی بدون اعتبار نامه آمده باشد بمجلس چیزی نیست مانعی ندارد ولی چرا پای آقای روحی را آوردند بمیان که اسباب تأثیر بنده بشود میخواستند يك و کیل دیگر را بیآورید برای اینکه همان سعی که برای آقای روحی باقی مانده بود برای سایرین هم باقی بود ممکن بود آقای د کتر امیر نیرومند را بجای آقای روحی می آوردند بمنوان نفروم کرمان چون این پرونده طبق نص مواد قانون انتخابات خوانده یافته وقتیکه و کلای يك معملی اعتبار نامه گرفتند نمایندگیشان را هم قبول کردند دیگر حق

باقی نمانده برای کسی وساقط شده این عرایضی را که بنده میکنم باستاندانتخابات بعنوان نماینده کرمان است تا آنکه که مجلس بنده را طرد کند و بگوید که نماینده کرمان نیستی اگر با این میتوانی يك همچو چیزی بگویند و طاعة بنده مرخص میشوم و همین جهت مقام ریاست خواهش میکنم دستور فرماید گزارش شماره ۶ مورخ اول خرداد ۱۳۰۸ کمیسیون تحقیق مجلس شورای ملی دستور گذاشته بشود و مطرح گردد چون با این استعفا نیکه دادم بطور آقایان میدانند از تاریخ استیفا با طرد حقوق ندارم تا تکلیفم معلوم بشود اشکالی ندارد اما مطلب دیگری که عرض کردم از لحاظ بنده جنبه خصوصی تری دارد (رفیعی - تا تأیید نشود در مجلس حقوق باید پرداخته بشود) تأیید ندارد خواهش کنم تغییر نفرمائید استعفا باید در اول جلسه علنی مجلس قرائت بشود (رفیعی - که نخوانند) و چنانچه استعفا داده ۱۵ روز پس نگرفت تأیید است مجلس تا تأیید کند اینجا تخم لق حضرتعالی شایب نیست بنده استعفا داده ام و به چه وجه عنوان از استعفا خودم منصرف نخواه شدم و اینکه برای بنده صدر صد مسلم بشود که آن توطئه انجام بگیرد بنده بمن لایحه سلب مصونیت مجلس طرد بشوم با تمام این تفصیل بنده نمایندگی تهران بدلائلی که عرض کردم استعفا دادم و تمام کوشش خودم را خواهم برای اینکه تعهدی را که ما نفر در جلوی هزار نفر مردم کرمان در خانه خدا در جمع کرده بودیم بنده بسهم خودم تلاش خودم را میکنم که این تعهد انجام بگیرد (رفیعی - گفتیم سلب حقوق نمی شود) **نایب رئیس** - حقوق خودتان را ۱۵ روز دیگر میتوانی بگیرد **میر اشرافی** - اصلاً خوانده نشده است **د کتر بقائی** - طبق قانون باید خوانده بشود **نایب رئیس** - می خوانیم **میر اشرافی** - **د کتر بقائی** - اما موضوع در تهران صورت گرفت این جنایتی است که در تهران صورت گرفت باید تعقیب بشود و کسانی مرتکب جنایت شده اند باید تعقیب بشوند و در این باره با معاونت کرده اند بهر صورت دخالت داشته اند در این جنایت باید مطابق تعقیب بشوند این يك مطلب است که نمیکنم هیچکس منکرش باشد البته در جریان یعنی جریانی که اسمش را گذاشته اند يك عملیاتی صورت گرفته

اینجا جنبه قانونی نداشته است ملاحظه می
 گشتی که بنده الان عرض کردم راجع به
 شکجه زندانیان من خیلی متأسف هستم از
 این که می بینم بعضی از آقایان همکاران ما
 بجهت باصل موضوع ندارند یعنی باصل شکجه
 بعضی ها با کمال خونسردی میگویند خوب
 این شکجه ها که شد منجر بشکف جرم
 شد و اقرار کردند و وقتیکه من این را از
 بعضی آقایان شنیدم باور کنید وحشت کردم که
 بهتر ممکن است بعضی اشخاص از مرحله
 ونبای امروز برت باشند این موضوع شکجه
 آقایان يك چیزی نیست که بگوئیم در يك
 مورد صحیح است و در يك مورد صحیح نیست
 در يك مورد قانون اجازه بدهد در يك مورد
 اجازه ندهد این یکی از وحشانه ترین کار-
 فائی است که بشر مرتکب میشود و قریها
 برای از بین بردن آن مبارزه شد خونها ریخته
 شد جنک شد برای اینکه شکجه از بین
 برود برای اینکه شکجه دیگر وجود نداشته
 باشد من حالا کاری ندارم که بعضی از
 مالک متدن هستند که حتی توقیف متهم
 را يك نوع شکجه تلقی میکنند و اجازه
 ندهند کسی توقیف بشود مگر اینکه جرمش
 ثابت شده باشد همینطور هست آقای دکتر
 مظفری (دکتر مظفری - نیدانم) در انگلستان
 این طرز هست تا وقتیکه دلائل جرم را
 کاملا بدست نیاوردند قطعی ندانند حتی
 توقیف نمیکنند ولی بالاخره يك چیزی هست
 و آن این است که دنیای متمن امروز غیر
 از بهشت گرمین و اقماری که دور گرمین
 میچرخند همه شکجه را محکوم کرده اند
 نه تنها قانون مجازات عمومی ماشکجه و
 شکجه دهند و آمر شکجه و کسی که
 مت نظارت داشته باشد و اطلاع پیدا
 بکند و جلو گیری نکند تمام اینها را محکوم
 کرده قانون حقوق بشر اعلامیه جدید
 حقوق بشر این موضوع را ممنوع کرده و
 بطوریکه آقایان میدانند این اعلامیه بصوب
 مجلس شورای ملی ایران هم رسیده است
 ولی معذک ما اطلاع پیدا کردیم که
 زندانیان را شکجه داده اند و شکجه های
 مختلف اگر جناب عالی آقای نریجان خیلی
 میل دارید که این را بدانید الان سوار
 اتومبیل بشوید تشریف ببرید جمشیدیه آنجا
 يك سالتی است ممکن است برچینند ولی
 اگر الان تشریف ببرید برچیده نیست مرض
 کنم يك سالتی است در آنجا جناب آقای
 نریجان که انواع واقسام چیزها از قبیل شلاق
 تنبیه آب جوش چراغ پریموس هست برای
 داغ کردن آب لوله مخصوص و اشکالک و از
 این قبیل چیزها در آنجا هست ولی يك چیز
 دیگر هم هست که ایچ را من در دوره
 پهلوی هم ندیده بودم و بطوریکه یکی از
 دوستان مبارز ما را که چند روزی گرفتار
 شده بود برده بودند آنجا ولی نرسیده بودند
 که شکجه بدهند و با يك مختصر کتکی
 مرخصش کردند آقای دیوشلی که عضو

هیأت اجرائیه حزب زحمتکشان ملت ایران
 است این موضوعی که در آنجا دیده
 بود و تعریف میکرد و بعد آمدن بنده موضوع
 این صندلی است که مسلمانان اختراعات جدید
 است چون سابقاً ماهیچ جانشینده بودیم این
 يك صندلی است که از آهن یا فولاد و آوا
 ای است البته تماش و سیاه رنگ هم هست
 بلا تشبیه مثل صندلیهای مجلس هم هست فقط باین
 تفاوت که نشیمنگاه صندلی بجای اینکه يك
 تخته باشد فقط چندتا نوار آهنی است و
 بقیه اش خالی است ، متهم را می نشاندند روی
 این تسمه هائی دارد که گرم رنگ است و
 نوهم هست متهم را می نشاندند روی این صندلی
 تسمه ها را می بندند زانو و کمر و ران و شکمش
 را می بندند سینه اش را می بندند و دستهایش
 در توی يك حلقه هائی قرار میگیرد و فقط
 يك مقداری جا دارد که می تواند چیز بنویسد
 و می نشیند يك تخته آهن هست که از این
 دسته صندلی بر میگردد تا اینجا اشکالی ندارد
 که همین طور است که آقایان نشسته اند
 آزادی زیادی برای حرکت ندارید و می
 توانید چیز بنویسید ولی در آن صندلی زیر
 این نوار های آهنی صفحه آهنی است و
 نویس چندتا شمع است و زیر این صفحه
 آهنی بیچ دارد بیچ را می چرخانند می آید
 بالا يك مقداری که آمد بالا بدهد متهم می
 گویند اقرار کن آقای دکتر مصدق آزاد بخواه
 دستور داده که اینها را شکجه بکنند ،
 دستور داده برای اینکه هیچ مأموری پیدا
 نمی شود بعد از آن مجازاتی که
 بامورین زمان پهلوی داده شد جرات بکنند
 از پیش خودش این کار را بکند ، دستور
 داده اقرار بگیرند این مرد آزادی خواه
 (مهر اشرفی - آزاد بخواه بود حالا که
 نیست) این صفحه را می آورند بالا و بعد
 شمع ها هم روشن است حالا ببینید آن کسی
 که روی آن صندلی نشسته است چه حالی
 دارد اگر شمارا روی آن صندلی بنشانند
 اقرار نخواهید کرد ؟ با این ترتیب پرونده
 تشکیل شد ولی با این پرونده خودشان هم
 میدانند که نمی توانند آنجوری که دلشان
 میخواهد عمل بکنند باین جهت برای اینکه
 این پرونده کشیده بشود دست به دست بگرد
 و مردم نفهمند که توی این پرونده چیست
 برای اینکه مطرح نشود راهی پیدا میکنند
 برای اینکه دکتر بقائی را بدون لایحه سلب
 مصونیت از مجلس بیرونش کنند آنرا هم
 بهمان ترتیبی که عرض کردم عمل میکنند
 در هر صورت بنده امروز هیچ نظر ندارم
 که راجع باین جریانائی که هست از خودم
 دفاعی بکنم و مطلبی بگویم برای این که
 منتظر هستم پرونده بيك مرجع صلاحیتداری
 رجوع بشود بيك مرجعی که دیگر نتوانند
 اوراق پرونده را عوض بکنند چون الان
 دست خودشان است و اگر دیدند بيكجائی
 هست که اقرار اشتباهی گرفته اند این

ورق را در می آورند و عوض میکنند نظیر
 کاریکه راجع آقای زهری کردند که لابد
 بعضی از آقایان استحضار دارند توی یکی
 از این اقرارهائی که گرفته اند یکی از
 متهمین گفته است يك جلسه ای بوده است
 که در آن جلسه افشار طوس زبوده شده
 است و در آن جلسه عده ای حضور داشته اند
 که علاوه بر بنده آقای زهری هم بوده اند
 البته همه اقرار کرده اند و برای اقرار امضاء
 کرده اند اگر شما جای اینها باشید اقرار
 نمیکنید آقای ناظرزاده روی آن صندلی ؟
 (ناظرزاده - چرا قربان) اقرار کرده اند
 بعد بنا بود روز یکشنبه ای ساعت يك بعد از
 ظهر بيك کمیسیون عالی که جناب آقای
 نخست وزیر تعیین کرده بودند اعلامیه
 بدهد راجع باین جریانات روزنامه هاهم
 هست اینها چاپ شده است صحبت هوائی
 نیست ساعت ۹ صبح آن کمیسیون عالی
 تشکیل شد برای اینکه ساعت يك بعد از ظهر
 اعلامیه بدهد البته این نکته را هم بنده باید
 تصریح بکنم تمام کسانی که جزء آن
 کمیسیون عالی بودند تمام پرونده ساز نیستند
 و تمامشان اشخاص بی شرفی نیستند کمالیکه
 در شعبه پنجم هم همینطور است اعضاء محترم
 شعبه رودست خوردند بآنها گفته اند افا
 بیاید بيك و کبلی بیاید چنین و چنان در حد
 نصاب تأیید دارد بالاخره رودست خوردند
 و این کار را کردند در آن کمیسیون عالی هم
 يك عده ای هستند که رو دست میخورند
 عرض کنم آن کمیسیون عالی بشهائوت
 مندرجات روزنامه ها می بایست ساعت يك
 بعد از ظهر گزارش بدهد اعلامیه بدهد
 برای اینکه در رادیو خوانده بشود مغربین
 روزنامه ها رفته بودند بهشان گفته بودند بيك
 ونیم حاضر نیست دو نیم بیاید دو ونیم رفتند
 گفتند حاضر نیست پنج بیاید ه رفتند
 گفتند ساعت ۹ بعد از ظهر بیاید و آن
 اعلامیه بامضاء کمیسیون عالی نه تنها آن
 يكشنبه صادر نشد حالا هم که چند روز
 گذشته هنوز صادر نشده و صادر هم نخواهد
 شد برای اینکه چند نفری از اشخاص شرافت-
 مندیکه در آن کمیسیون عالی بودند فهمیدند
 قضیه از چه قرار است گزارش ماشین شده را
 که باید بامضاء آقایان اعضاء کمیسیون عالی
 برسد آورده بودند یکی از اشخاصیکه خیلی
 دقیق است بیش از اینکه اعضاء بشود
 خواسته بود ببیند چیست ؟ شروع کرده بود
 بخواندن گزارش در ضمن خواندن متوجه
 بيك نکته شده بود بيك نکته کوچک که
 سایرین توجه نکرده بودند آن مجربینی
 که اقرار کرده بودند توجه نکرده بودند
 و آنهائی هم که اقرار کرده بودند توجه
 نکرده بودند و آن این بود که
 آنشبی که افشار طوس زبوده شد آقای زهری
 تهران نبوده آقای زهری در دزفول بوده

البته نمیشد بگویند که هم آقای زهری در
 تهران بوده و هم در دزفول.
نایب رئیس - آقای دکتر بقائی وقت
 شما هم تمام شد
دکتر بقائی - بیست دقیقه دیگر وقت
 بدهید که این مطلب تمام بشود بقیه بماند
 برای بعد
گنجیه - میخواهید رأی بگیرید ؟
 بماند برای جلسه بعد آقای دکتر بقائی
 خواهش میکنم بگذارید برای جلسه دیگر
 چون مطابق تصمیمی که داشتیم ما دو
 ساعت و نیم رأی دادیم يك جلسه فوق العاده
 بخواهید ما حاضریم
نایب رئیس - دو ساعت و نیم هم
 بیشتر شد
دکتر بقائی - اجازه بفرمائید از این
 حرفم نتیجه بگیرم ۱۵ دقیقه بیشتر استفاده
 نمیکنم ۱۵ دقیقه هم استفاده نمیکنم فقط
 میخواهم نتیجه بگیرم
مهندس حسینی - تمام بکنند هر
 چه میخواهند رأی میدهم
نایب رئیس - آقایانیکه موافقند ده
 دقیقه دیگر آقای دکتر بقائی صحبت بکنند
 قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب
 شد
دکتر بقائی - عرض کنم در آن دفعه
 آخر آن شخص دقیق متوجه شد که آقای
 زهری در آن شب قضیه در تهران نبوده و
 در دزفول بوده چون در روزنامه ها نوشته
 بودند و آقای زهری نمی توانست هم در تهران
 باشد هم در دزفول این بود که فکر کردند
 چه کار کنند دیدند که این گزارش باید تغییر
 پیدا کند ساعت يك را گفتند دو ونیم و بعد
 دیدند اگر اسم زهری را حذف کنند پرونده
 را چه کار کنند خلاصه داستان مفصل است
 نتیجه این شد که آن کمیسیون عالی دیگر
 اعلامیه ای صادر نکرد
 هر چه اعلامیه صادر شد بامضاء شهربانی و
 فرمانداری نظامی است و دیگر از طرف
 کمیسیون عالی اعلامیه صادر نشد بهرحال
 این عرض بنده شاهدهی بوده برای اینکه
 بگویم الان پرونده در دستگاہی هست که
 همه جور آزادی عمل برای تغییر اوراق
 پرونده دارد بيك مطلبی را هم ما اطلاع
 پیدا کردیم که در روزنامه هم نوشتیم
 حالا ممکن است تأیید یا تکذیب بشود دو
 پوشه از این پرونده دو هزار صفحه ای دو
 پوشه مهمش مفقود شده مفقود شده باین
 معنی که توی بيك چیزهای خلافی در آمده
 بود دیدند نمیتوانند که چیزی چاپش به
 گذارند و هنوز هم فرصت پیدا نکرده اند
 و این اصراری که دارند که هر شب در
 روزنامه ها بنویسند در کاوشند و سگدارند
 و لاک می شود و حمل می شود و ۱۵ تاسرباز
 مأمور حفاظت است فقط دو نفر حق دیدن
 را دارند برای این است و اگر جناب آقای
 معاون وزارت دادگستری و باجناب آقای

معاون وزارت دفاع ملی علاقه داشته باشند که این موضوع را ببینند البته اگر بهشان اجازه بدهند بروند ببینند چون عمل متوجه هر دو آقایان میشود دو تاپوشه از آن نیست و جایش را هم هنوز فرصت نکرده اند که درست بکنند بهر حال غرض بنده این بود که بنده انتظار دارم این پرونده بیک مرجع صلاحیتداری رجوع شود که دیگر در اوراقش نتوانند دستبردی بزنند تا دفاع های خود را در آن موقع بتوانم بکنم ولی خیلی امیدواری دارم بکمسیون دادگستری مجلس و مطمئن هستم در این کار دقت خواهد کرد مخصوصاً از جناب آقای میلانی برای مصاحبه ای که کرده بودند و راجع باین جریان حویده دادند که بیطرفانه رسیدگی بشود صمیمانه نه از لحاظ خودم تشکر میکنم بلکه از لحاظ اینکه یک حقیقتی روشن خواهد شد و یک عده ای روسیاه خواهند شد و بنده بحول وقوه خداوند متعال ایمان دارم که از این جریان روسیاه بیرون نخواهم آمد ولی یک کسانی روسیاه خواهند شد که مقدمات روسیاهشان از همین حالا فراهم شده بهر حال مطلبی که میخواستم عرض کنم این است که دولت به بجای اینکه در برابر این جنایتی که اتفاق افتاده شروع بکند با کمال شدت و دقت برسیدگی و تعقیب و دستگیری مجرمین شروع کرده بهوچی گری آقایان در کجای دنیا اعترافات متهمین را پیش از این که پرونده بسته بشود پیش از اینکه بیک محکمه ای ارجاع بشود توی رادیو میخوانند در کجای دنیا آقای دکتر معظمی شایک چنین چیزی سراغ دارید؟ شما چه مشاورین دولت هستید استاد دانشکده حقوق هستید و رئیس دانشکده حقوق هم بوده اید یک عده دکتر حقوق هم اینجا نشسته اند در کجای دنیا یک همچو چیزی سابقه دارد در کجای دنیا سابقه دارد روی افراز صبیح یا غلطی که گرفته شده بنده مجرم پیش از اینکه محکمه رای داده باشد رادیویی که ارکان رسمی دولت است اشخاص راجانی و قاتل بگویند؟ آیا اینها غیر از هوچی بازی غیر از تهیه کردن زمینه غیر از تهیه کردن پرونده برای محکومیت من معنای دیگری دارد؟ مگر این اولین جرم و جنایتی است که در این مملکت اتفاق افتاده؟ چرا برای یک جنایت دیگری این کار را نمیکنند؟ رادیویی که فرصت ندارد طبق مقررات بین المللی صحبت های نمایندگان را ببخش بکند فرصت ندارد برای اینکه این صحبت ها بگوش مردم ولایات میرسد اقتضای بیشتر می شود باین جهت فرصت ندارد این رادیویی که فرصت ندارد مذاکرات مجلس را منتشر بکند آنوقت ساعتها افاریر آشپز و نوبدانم کی را تو رادیو میگویند اینها برای چیست؟ کدام جرم تا به حالا اینچنین تعقیب شده بود این اولین دفعه ای بود که یک چنین جرمی

در این مملکت اتفاق افتاده؟ یا تازه امروز رادیو پیدا کرده ایم؟ یا یک قوانین جدیدی برای دادگستری اصلاح شده بتصویب آقای دکتر مصدق رسیده؟ این هوچی بازیها مگر غیر از این است که میخواهند زمینه بر علیه من فراهم بکنند؟ غیر از این است که اگر بفرض معال من در دادگاه هم تبرئه حاصل کردم همینطور آورده بمانم برای اینکه آورده کردن دکتر بقائی کار آسانی نیست آورده کردن دکتر بقائی کار سهل و ساده ای نیست این را رزم آرا و ساعد در دوره ۱۰ خیلی امتحان کردند در دوره ۱۶ هم امتحان کردند بعد از آنهم خدمت ولی خیلی تبریک عرض میکنم بتمام حقوق دانهایی که با آقای دکتر مصدق همکاری میکنند بسیار بسیار راه خوبی پیدا کردند بسیار راه خوبی است در هر صورت بنده میل دارم که باز هم این افاریر توی رادیو گفته بشود باز هم این صفعاتی را که پر کرده اند که بعضی هایش هم با صدای غیر صدای متهم طرف ادعاست باز هم میل دارم که اینها گذاشته بشود خوب دولت یک لایحه سلب مصونیت آورده است اولاً بنده از روز اولی که این جریان پیش آمد و معلوم شد که این شتر باید در خانه من بخوابد گفتم تقاضا میکنم که سلب مصونیت من را بیاورند و گفتم که اگر لایحه راهم آوردند و مجلس معطل کردن استغفا میدهم ولی بعضی ها که وارد جریانات پارلمانی نیستند میگویند تو چرا از اول استغفا ندادی این یک مطلب دقیقی است بنده میخواهم این پرونده را از دست آن جانبهای پرونده ساز بکشم بیرون و بیک دستهای برسد که مطمئن بشوم که آنها دیگر پرونده سازی نخواهند کرد منکن است رای له یا علیه من بدهند ولی یک اشخاصی که مطمئن باشند دیگر حاضر نیستند وجدان خودشان را بفروشند یک ورق از لای پرونده در بیاورند و یک ورقه دیگر بگنجانند جایش مقصود من از اینکه تقاضا کردم لایحه سلب مصونیت بیاورند برای این است که پرونده بیاورد کمسیون دادگستری مجلس ولی من از فرد آقایان اعضا کمسیون دادگستری یک تقاضائی دارم چون این یک موضوع کوچکی نیست موضوع دکتر بقائی هم نیست یک موضوع خیلی مهمی است بنده خواهش میکنم آقایان درست چشمهای خودشان را باز بکنند مثل آقایان اعضاء شعبه پنجم زود دست نخورند چون اینجا رودست خیلی میزنند میگویند مجلس اینچنین است و دارد از اکثریت مفاقت دولت هم اینطور است و بله بکنفر است اینجا پهلوی دست خودمان هست بکنفر بفرما کمسیون خودم تا اضافه میشود و از این حرفها آنها هم فکر میکنند تصویب بکنند چه مانعی دارد یک نفر هم با اعضاء فرا کمسیون اضافه میشود آدم خوبی هم هست واقف آدم خوبی هم هست حقیقتاً

شایستگی و کالت دارد من خودم هم بهش رای میدهم ولی آوردنش با این حقه بازی با این پنهانکاری با این توطئه مطلب دیگری است و من یقین دارم که الان یک عده از آقایان اعضاء شعبه پنجم پیش وجدان خودشان شرمند هستند که چرا نیامدند از من یک کلمه بپرسند این جریان چه بوده که رای داده اند حالا خواهش میکنم آقایان اعضاء کمسیون دادگستری که هنوز هم فرصت نکرده ام اسمیشان را بخوانم که ببینم کی ها هستند خواهش میکنم چشمهایشان را خوب باز کنند رودست نخورند و مخصوصاً توجه داشته باشند سو کمسیون نیندازند این قضیه را چون سو کمسیون خیلی کارها را آسان میکنند در همان کمسیون هر رسیدگی که بخواهند بکنند این تنها استدعای بنده است ضمن تشکر بیکه از جناب آقای میلانی برای مصاحبه ای که کرده بودند کردم در هر صورت دولت بجای اینکه موضوع را تعقیب بکند تبلیغات علیه متهمین که یکیش بنده هستم میکنند برای چه؟ برای اینکه دولت منظورش بهیچوجه کشف حقیقت نیست یک پرونده سیاسی ساخته شده می خواهند این را باخر برسانند برای این میخواهند یک عده ای که بنده هم جزء آنها هستم یا بودم یا برخوردارم یا برخوردارم بهر حال هر چه بگویند آسان است اینها را پیش از اینکه جلوی یک دادگاه صالحی فرستاده شوند و محاکمه بشوند قبلاً زمینه را در اذهان حاضر بکنند و با این تبلیغات خودش همه را وحتى فضا دادگاه را تحت تاثیر قرار بدهد والا گمان نمیکنم برای دولت و آنهم با این رادیویی که اینقدر اشکالات فنی دارد که نمی تواند مذاکرات مجلس را ببخش بکند دلیل دیگر بتوانیم اقامه کنیم که روزها وقت رادیو صرف ببخش افاریر

نایب رئیس - وقت شما تمام شد
دکتر بقائی - در خانه بنده یک تقاضائی از هیأت محترم رئیس مجلس دارم که چون یک مقدار اسنادی هست که ممکن است اینها در این معاکمه بدرود من بخورد و یک مقدار اسنادی هم هست که تسجیل اینیکه این استاد در این تاریخ یک جانی گذاشته شده است خیلی اهمیت دارد چون یک سندی است که برای بنده خیلی اهمیت دارد ولی اینکه خواسته بشود یک سندی امروز توی پاکتی گذاشته شده لاک و مهر بشود این ممکن است دارای یک ارزشی باشد که اگر ۲ ماه بعد این سند را ارائه بدهند آن ارزش را نداشته باشد مگر اینکه دانسته شود که این کاغذ شش ماه پیش در پاکتی گذاشته شده مثل آن سندی که آن دوست غایب ما آقای دکتر شایگان که آن سند را که گفتند رای بدهید باختیارات سندش ممکن است بعد افشاء بشود طبق آن سند رای داده شد و هنوز از سندش

خبری نیست در هر صورت میخواهم ببینم بشود که در این تاریخ این سند در پاکتی گذاشته شده و لاک و مهر شده استند میکنم یا برای امروز بعد از ظهر یا برای فردا صبح یک وقتی را هیأت محترم تعیین بفرمایند که بنده حاضر بشوم این و با لاک و مهر خود آقایان آن اسناد را در پاکت بگذاریم و در صندوق مجلس حفظ بشود این تنها تقاضائی است که بنده از آقایان دارم.

میر اشرفی - دست سرهنگ نادری بسیار بد بهتر است

(۳) قرائت استغفانه
آقای دکتر بقائی از نمایندگان طهران

نایب رئیس - با اجازه آقایان و با دستور میسریم استغفانه آقای دکتر بقائی قرائت میشود.

(شرح زیر قرائت شد)
مقام ریاست معظم مجلس شورای ملی

بطوریکه باستحضار خاطر عالی رسید

است در انتخابات دوره هفدهم تقبیل اینجانب بسمت نمایندگی از طرف مردم کرمان و تهران انتخاب شدم . نظر باینکه قبول کاندید شدن از کرمان بنا بقضای همشهریان خودم صرفاً بمنظور جلوگیری از اختلاف تشنتی بود که پیش بینی میشد بهمین جهت با اینکه افتخار نمایندگی تهران هم برای من مزبور بود تاگزیر از پذیرفتن افتخار نمایندگی مردم کرمان شدم . نظر باینکه برای جلوگیری از هر گونه تشنج و اختلاف قبل از شروع انتخابات کرمان در حضور عده زیادی از موکلین که در مسجد جامع آن شهر مجتمع بودند قول صریح دادم که بهیچوجه و بهیچ عنوان در دوره هفدهم دست از نمایندگی کرمان برندارم و نظر باینکه اخیراً جریاناتی صورت گرفته است که ممکن است موهم این معنی باشد که اینجانب از نمایندگی کرمان منصرف شده اند از برای اینکه هیچگونه سوء تفاهمی در این خصوص ایجاد نشود استغفا خود را از نمایندگان طهران تقدیم مجلس شورای ملی نموده و از این پس فقط با عنوان نماینده کی کرمان بخدمتگذاری (چنانچه از دستم بر آید) ادامه خواهم داد خواهشمند است مقرر فرمائید طبق قانون و مقررات استغفای اینجانب از نمایندگی تهران اعلام شود و تقدیم احترامات فائمه نماینده کرمان

دکتر مظفر بقائی کرمانی

(۴) تقدیم ۲۸ فقره لایحه
قانونی بوسیله آقای معاون نخست وزیر و چهار فقره لایحه از طرف وزارت دارائی بوسیله ایشان

نایب رئیس - آقای معاون نخست وزیر

دکتر ملک اسمعیلی - (معاون
 نخست وزیر) - با اجازه آقایان محترم ۲۸
 فقره لایحه قانونی که برطبق قانون تمدید
 مدت اختیارات بموقع اجرا گذاشته شده
 و بایستی بعد از سه ماه بمجلس شورای ملی
 تقدیم بشود بشرح زیر تقدیم میکنم. لایحه
 سازمان صنایع کشور و متمم آن - لایحه
 قانونی متمم لایحه قانونی اصلاح اصول
 تشکیلات اداری وزارت دادگستری - لایحه
 قانونی مطبوعات - لایحه قانونی مجازات
 اکتساب کارمندان دولت - لایحه قانونی
 متمم لایحه قانونی طرز تعقیب مأمورین
 دولتی در محل خدمت - لایحه قانونی استقلال
 قانون و کلای دادگستری - لایحه قانونی
 اصلاح نام بانک توسعه صادرات - لایحه قانونی
 معافیت شرکت سهامی تلفن ایران از پرداخت
 حقوق و هزینه کمر کی - لایحه قانونی اعضای
 صدماتی غرضوفی و خواربار شرکت سهامی
 شلات ایران - لایحه قانونی مجازات تخریب
 وسائل نقلیه مأمورین تعقیب - لایحه قانونی
 اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک
 لایحه قانونی دادرسی و کفایت از تشوایح
 قانونی متمم آن - لایحه قانونی ساختمان
 سفیر رود - لایحه قانونی متمم قانون سازمانی
 قضائی کشور - لایحه قانونی متمم لایحه
 قانونی تأسیس باث ساختمانی و اسانامه
 آن - لایحه قانونی اعتبارات و بودجه خزانه
 داری - لایحه قانونی راجع بادامه عمل
 کمیسیونهای حل اختلاف مالیاتی - لایحه
 قانونی تمدید قانون اجازه تأسیس بنکگاه
 آبیاری - لایحه قانونی اصلاح تبصره ۲۲
 ماده دوم قانون بودجه ۱۳۲۸ - لایحه قانونی
 تمدید بخشودگی جرائم مالیات مستغلات -
 لایحه قانونی مجازات پاسخهای خلاف واقع -
 لایحه قانونی راجع بر روزمان مالیاتی -
 لوایح متمم قانونی تسویه و وصول مطالبات
 غیر مالیاتی دولت - لایحه قانونی اصلاح
 و القای مواد ۱۶ و ۱۷ قانون استخدام
 کشوری و قانون کمک - لایحه قانونی پرداخت
 حقوق و کمک و سایر مخارج کشور بابت
 فروردین ماه ۱۳۳۲ - لایحه قانونی متمم
 لایحه قانونی جلوگیری از نشستی کارمندان شهرداری
 تهران - لایحه قانونی اصلاح و تکمیل
 قانون راجع بآموزش و پرورش عمومی -
 لایحه قانونی داد گاه نظامی برای رسیدگی
 بجرائم اشرار مسلح - ضمناً چهار فقره لایحه
 است که از طرف وزارت دارائی تقدیم
 میشود یکی راجع باستخدام چهار نفر متخصص
 در خانیات - راجع باستخدام دو نفر مهندسین
 ۳ - لایحه استخدام دو نفر از مهندسین
 اتباع کشورهای بیگانه - ۴ - لایحه واگذاری
 قرضه و اعیان کشتار گاههای که متعلق
 بدولت بوده و بایستی بشهرداری تحویل شود

(۵ - تقدیم گزارش وزارت
دادگستری دائر به
تقاضای سلب مصونیت از
آقای دکتر بقائی بوسیله
آقای معاون نخست وزیر)
 معاون نخست وزیر - ضمناً آقای
 وزیر دادگستری گزارش تقدیم داشته اند که
 تقاضا می شود طبق ماده ۱۸۲ آئین نامه
 اقدام فرمایند
نایب رئیس - بکمیسیونهای مربوطه
 ارجاع خواهد شد فقط سلب مصونیت از
 آقای دکتر بقائی قرائت می شود
 (بشرح زیر قرائت شد)
 مطابق گزارش وزارت دفاع ملی و
 دلایل ومدارک پیوست آن جناب آقای
 دکتر مظفر بقائی کرمانی نماینده مجلس
 شورای ملی متهم است بمعاونت در قتل
 تیمسار سرلشکر افشارطوس و چون تحقیقات
 از نامبرده با مصونیت پارلمانی میسر نیست
 بر طبق ماده ۱۸۲ آئین نامه داخلی مجلس
 شورای ملی که مقرر داشته است « هر گاه
 نماینده ای بارتکاب جنحه یا جنایتی متهم شود
 اعم از اینکه تاریخ عمل منشاء اتهام رمان
 نمایندگی یا قبل از آن باشد وزیر دادگستری
 باید گزارشی مشتمل بر موضوع اتهام و
 دلایل ومدارک قانونی آن بمجلس شورای
 ملی تقدیم نماید گزارش مزبور در اولین جلسه
 علنی مجلس قرائت و بدون تأخیر بکمیسیون
 قوانین دادگستری ارجاع خواهد شد »
 تقاضا دارد مقرر فرمایند هر چه زودتر جلسه
 علنی مجلس شورای ملی تشکیل شده و مفاد
 ماده ۱۸۲ آئین نامه را در باره مشارالیه
 بموقع اجرا گذارند
 وزیر دادگستری - لطفی
۶ - تقدیم دو فقره لایحه بوسیله
آقای معاون وزارت دادگستری
نایب رئیس - بکمیسیون دادگستری
 ارجاع می شود آقای معاون وزارت داد -
 گستری بفرمایند
معاون وزارت دادگستری (مصطفوی)
 بطوریکه آقایان محترم استحضار دارند
 در تاریخ ۱۹ بهمن ۳۱ قانونی راجع بمنع
 تهیه و فروش و مصرف نوشابه های الکلی و
 همینطور منع استعمال تریاک بتصویب مجلس
 شورای ملی رسیده و بموجب آن قانون مقرر
 شده بود که وزارت دادگستری لایحه مجازات
 را تهیه کند این لایحه در تاریخ ۲۱ فروردین
 تهیه و برای تقدیم بمجلس آماده شد و چون
 مجلس تشکیل شد تقدیم نشد فعلاً این
 لایحه را در دو نسخه تقدیم میکنم یکی لایحه
 راجع بمنع خرید و فروش و تهیه نوشابه های
 الکلی و یکی هم لایحه مجازات متخلفین
 تهیه و خرید و فروش تریاک
(۷ - تقدیم هفت فقره لایحه
برقراری یا تمدید فرمانداری
نظامی در نقاط مختلفه کشور)
نایب رئیس - بکمیسیونهای

مربوطه ارجاع می شود. آقای معاون وزارت
 دفاع ملی
معاون وزارت دفاع ملی - هفت
 فقره لوایح مربوط بتمدید یا برقراری
 فرمانداری نظامی در بعضی نقاط برای
 تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم میکنم
 (مهندس رضوی - نقاطش را بفرمائید)
 عرض میکنم آقایان البته استحضار دارند در
 در خلال مدتی که جلسات علنی مجلس
 شورای ملی تعطیل بوده ضرورت
 ایجاد می نموده است که در بعضی نقاط
 فرمانداری نظامی برقرار شود و در بعضی
 نقاط دیگر که فرمانداری بوده تمدید
 بشود و این هفت فقره لوایح مربوط بنقاطی
 است که عرض می کنم در چهار مجال و
 بختیاری از ساعت هشت صبح ۱۰ اردیبهشت
 برای مدت سه ماه بخش شادگان از ساعت
 ۸ صبح روز ۲۲ اردیبهشت برای مدت یک ماه
 شهرستان شیراز از ساعت ۱۲ روز ۲۷ اردیبهشت
 ۳۲ برای مدت ۳۷ روز - شهر کرمانشاه
 از ساعت ۲۰ شب سهشنبه اول اردیبهشت ۳۲
 برای مدت دو ماه و هفت روز - شهرستان
 دزفول از ساعت ۱۲ روز ۲۸ اردیبهشت ۳۲ برای
 مدت سه ماه و ۷ روز و همچنین در هشت
 نقطه استان ششم (آبادان - آغا جاری
 بندر معشور - خرمشهر - گچساران - لالی
 مسجد سلیمان - هفت گل) از ساعت ۵ صبح
 روز ۲۶ اردیبهشت ۳۲ برای مدت سه ماه شهرستان
 تهران برای مدت سه ماه از تاریخ انقضاء
 (ساعت ۵ صبح روز ۲۹ اردیبهشت ۳۲) برای
 مدت سه ماه و البته چون جلسات مجلس تعطیل
 بود تقدیم لوایح بتأخیر افتاد تا اولین
 جلسه رسمی مجلس
نایب رئیس - بکمیسیونهای مربوطه
 ارجاع می شود (دکتر معظمی - کمیسیون ندارد)
(۸ - قرائت گزارش
شعبه پنجم راجع به
آقای علی روحی)
نایب رئیس - گزارشی از شعبه پنجم
 رسیده که قرائت می شود آقای دادور
 بفرمائید
قنات آبادی - جناب آقای رئیس
 خواندن این گزارش برخلاف قانون است
دکتر بقائی - گزارش کمیسیون
 تحقیق مقدم است
 (آقای دادور منشی شعبه پنجم
 گزارش شعبه مبنی بر انتخاب
 آقای علی روحی را از کرمان
 بقراردیل قرائت نمودند)
گزارش از شعبه پنجم
بمجلس شورای ملی
 پیرو گزارش شماره ۴ راجع بحریان
 انتخابات کرمان در هفدهمین دوره تقنینیه
 که انجمن مرکزی در تاریخ بیست و یکم
 اسفند ماه ۱۳۳۰ اعتبارنامه بنام آقایان
 مهندس رضوی و دکتر مظفر بقائی صادر و
 انعال خود را اعلام داشته اند اشعار میدارد

نظر باینکه آقای دکتر مظفر بقائی ازدو
 حوزه انتخابیه تهران و کرمان انتخاب شده
 بودند و باتصویب گزارش شعبه چهارم مشعر
 بنمایندگی ایشان از طهران موضوع وکالت
 کرمان منتفی گردید و آقای علی روحی
 منتخب سوم در تاریخ دوم تیرماه ۱۳۳۱
 کتباً از مجلس شورای ملی تقاضای رسیدگی
 به پرونده انتخاب خود از کرمان را داشته
 و هیأت محترم رئیسه مجلس شورای ملی
 رسیدگی امر را بشعبه پنجم ارجاع نموده
 بودند. (قنات آبادی - هیأت رئیسه نکرده
 این کار را آقای مهندس رضوی کرده)
 (میراشرفی - این گزارش قاچاق است)
 (مهندس رضوی - مؤدب باشید) (قنات آبادی -
 جنابعالی هیأت رئیسه نیستید این خلاف
 قانون است) ولی بعلمت عدم تشکیل شعبه
 رسیدگی بموضوع بتأخیر افتاد اینک که
 آقای علی روحی طی نامه مورخه ۲۲ اردیبهشت
 تقدیم تقاضا نموده اند رسیدگی امر مجدداً
 بشعبه پنجم احاله گردید شعبه در تاریخ هفتم
 اردیبهشت ماه ۱۳۳۲ تشکیل و پس از
 مطالعه پرونده مربوطه و صورت مذاکرات
 مجلس شورای ملی در موقع طرح و تصویب
 گزارش شعبه چهارم راجع بنمایندگی
 آقای دکتر مظفر بقائی از تهران که مؤید
 نظر شعبه است و یک نفر نمیتواند سمت
 نمایندگی دو حوزه انتخابیه را دارا باشد
 لذا شعبه پنجم نمایندگی آقای علی روحی
 را از کرمان که دارای ۲۳۶۵ رأی و در
 درجه دوم حائز اکثریت میباشد تصویب
 نموده گزارش آنرا بمجلس شورای ملی
 تقدیم میدارد
قنات آبادی - این خلاف قانون است
 جناب آقای رئیس جنابعالی مأمورید آئین
 نامه را اجرا کنید
 (آقایان دکتر بقائی وزهری و
 قنات آبادی و میراشرفی اظهار
 مخالفت نمودند)
نایب رئیس - با مخالفت آقایان
 دکتر بقائی وزهری و قنات آبادی و میراشرفی
 بکمیسیون تحقیق فرستاده میشود
دکتر بقائی - بنده اصلاً این را
 بی اساس میدانم مخالفت نمیکنم این
 گزارش اساساً قابل طرح در مجلس نیست
نایب رئیس - اجازه بفرمائید با مخالفت
 آقایان قنات آبادی وزهری و میراشرفی به
 کمیسیون تحقیق مراجعه میشود
(۹ - تعیین موقع و دستور
جلسه بعد ختم جلسه)
نایب رئیس - با اجازه آقایان جلسه
 را ختم میکنم - جلسه آینده ساعت ۹
 صبح روز پنجشنبه موكول میشود دستور هم
 لوایح موجوده
 (مجلس یکساعت و ربع بعداز
 ظهر ختم شد)
 نایب رئیس مجلس شورای ملی
 محمد ذوالفقاری